

واژه ها و اصطلاحات فرقه رجوی (۲)



رابطه / رابط :

در تعبیر سازمان فردی که ارتباط بین دو نفر یا دو قسمت را برقرار می کند و کارهای فی ما بین آنها را رتق و فتق می کند رابط خوانده می شود .

رابطه به معنی ارتباط ، ربط و پیوند است ، مثلاً درباره کسی که به تشکیلات وصل بود می گفتند رابطه تشکیلاتی دارد .

رابطه زدن با خواهر مریم :

وصل شدن به مریم قجر عضدانلو برای رسیدن به مسعود رجوی ، باز کردن مسیری برای ارتباط گیری ذهنی و پذیرش مطالبی که "رهبری" می گوید . نیز <----- حلقه وصل .

راجع به :

مربوط به ، در مورد ، تکیه کلام است و اغلب به صورت غلط " راجب " نوشته می شود .

راحت طلبی :

تنبلی، فرار از کار سخت و پر مسئولیت ، خصلت و خصوصیت فردی است در تشکیلات ، عمدتاً به افرادی که زیر بار هر کاری نمی روند ابتدا اتهام راحت طلبی می زنند تا فرد را در مقابل و موضع دفاع قرار دهند و وادار به انجام کار نمایند .

راندمان / راندمان کار / راندمان بالا :

حاصل ، نتیجه، بازدهی هر گونه یا مسئولیت .

راست:

مقابل چپ (مترقی) به معنی غیر مترقی و عقب مانده از شرایط عنوان می شد .

راست روی :

عقب ماندن از شرایط ، عمل عقب نشینی کردن .

راست زدن :

راست روی و تمایل به راست داشتن .

راه انبیاء ، راه بشر :

کتاب سوم ایدئولوژی تألیف محمد حنیف نژاد ، در این کتاب تلاش شده است آخرین مرحله (راه انبیاء) که اسلام (خاتم ادیان) و قرآن است با آخرین و تکامل یافته ترین راهی که بشر طی کرده و به زعم آنها مارکسیسم که علم مبارزه بوده است ، انطباق داده شود .

راهبر یا رهبر عقیدتی :

از القاب مسعود رجوی در تشکیلات .

راه حسین : <----- سیمای یک مسلمان .

راه فرار :

همیشه در هر خانه تیمی راهها یا گریزگاه های در نظر گرفته می شد تا در مواقع خطر افراد از آن طریق فرار کنند ، این مسیر ها را اصطلاحاً راه فرار می گفتند .

رئیس جمهور مقاومت :

تعبیری است که درباره شخص مریم قجر عضدانلو (رجوی) به کار می رود ، وی از سوی شورای ملی مقاومت به عنوان (رئیس جمهور برگزیده) تعیین شد .

رد / رد دار / بی رد / رد دادن :

رد به معنی اثر و جای پاست ، گفته می شد که فلان صحبت یا فلان مدرک رددار است ، یعنی مطلبی در آن است که هر کس با دیدن آن بی به موضوع و مطلبی مخفی می برد .

رد دادن به مفهوم مسیر عبور و مرور فردی یا محل اختفای وی را گفتن ، این اصطلاح در مورد افراد دستگیر شده به کار می رفت که رد سایر افراد را می دادند و باعث ضربه به آنها می شدند ، بی رد به معنی اثری بدون جای پاست .

رد گم کردن :

این اصطلاح بین مجاهدین و دیگر گروهها مشترک است و به معنی منحرف کردن ، به آدرس دیگر کشاندن ، ضد تعقیب زدن و مانند آن است ، این تعبیر که بیشتر و غالباً کاربرد عملیاتی و امنیتی دارد ، در مواردی نیز مجازاً به کار می رود و به فرینه لفظی ، مفهومی دیگر را از آن اراده می کنند ، فی المثل عنوان می کنند که فلان نشریه برای انحراف ذهن خوانندگان با مطلبی که نوشته رد گم کرده است .

رده خواهی / رده طلبی :

از تعبیراتی که برای خوار کردن اعضای خلع رده شده به کار می رود و نمایانگر تلاش بی ثمر فرد تنزل داده شده برای به دست آوردن مسئولیت پیشین تشکیلاتی است ، و عمدتاً به افرادی گفته می شود که در مقابل مسئول بالاتر از خود ابراز وجود می کنند .

رده تشکیلاتی :

سلسله مراتب ، چیزی شبیه درجه در ارتش ، در تشکیلات مجاهدین مانند سایر تشکیلات ها سلسله مراتب وجود دارد که به آن اصطلاحاً رده تشکیلاتی می گویند ، افرادی که مسئولیت بالاتری داشتند رده ایشان نیز بالاتر بود .
رده ها در نوشته ها با کلمات اختصاری علامت گذاری می شد و ملاک حل شدگی تشکیلاتی سیاسی _ ایدئولوژیکی افراد بود .
در هر تشکیلاتی به دست آوردن رده معیارهایی دارد ، معیار گرفتن مسئولیت و رشد در سازمان اطاعت محض و حل شدن در تشکیلات است ، در دوران پس از "انقلابهای ایدئولوژیک" اعتراف اشخاص به اشتباهات خود ، نسبت های ناروا به خود دادن و ادعا و اثبات این نکته که همه فردیتها ، مسئله جنسیت و شرم های خورده بورژوازی را رها کردن و با سازمان یکی شده است ملاک گرفتن رده بالاتر بوده است .
رده ها و اختصارات آن به شکل ذیل بود :

" رده های درون تشکیلات "

مرکزیت (عناصر رهبری کننده) M

شورای مرکزی (زیر مرکزیت) مسئولین بخش ها SM

مرکزیت نهاد (کادرها) مسئولین نهادها MN

شورایی ، شور اجرایی نهاد OS

عضو O

داخل نهاد N1 – N2

" رده هواداران تشکیلاتی "

شور S1

سر شاخه S2

سرگروه S3

سر تیم و عضو تیم S4

هوادار غیر تشکیلاتی H

البته در بعضی نهادها ، رده های بیشتری هم بوده ، مثلاً در نهاد دانش آموزی پایین تر از S4 هم وجود داشته است .

رزم آوران رهایی :

اعضای نظامی سازمان ، اصطلاحی است تبلیغاتی که مجاهدین برای " حماسه گونه " جلوه دادن اعمال تروریستی عناصر نظامی به آنها نسبت می دهند .

رژیم :

نظام و سیستم حکومتی ، منظور از رژیم حاکم در نوشته ها نظام جمهوری اسلامی بود ، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی این اصطلاح را برای رژیم پهلوی به کار می بردند .

رشته :

واحد شمارش " تظاهرات " یا " عملیات " است ، مثل " ده رشته تظاهرات علیه " یا " سه رشته عملیات در نوار مرزی " منظور همان کلمه " زنجیره " است ، یعنی عملیات زنجیره ای و بدین شکل بار منفی آن را می زدایند .
از جمله اصطلاحات تبلیغاتی _ القایی است که ابعاد انجام عملیات نظامی را به شکل مضاعف جلوه می دهد ، عمدتاً به عملیات هایی گفته می شود که از چند محور صورت می گیرد .

رشد / رشد یافتن / رشد سیاسی / رشد تشکیلاتی :

نمو ، نمو یافتن ، ترقی ، وقتی فردی بر اثر کار تشکیلاتی تبحر پیدا کرده و توان بیشتری از خود نشان می داد مسئولیت های بالاتری به وی محول می شد و می گفتند " این فرد رشد تشکیلاتی کرده است " .
رشد سیاسی یعنی درک بهتر و بالاتر مسائل سیاسی و تحلیل آن ، این اصطلاح عام است و مختص منافقین نیست .

رفع ابهام :

بر طرف کردن نکات مبهم و غیر گویا ، روشن نمودن مسئله از همه جنبه هایش در جریان انقلاب ایدئولوژی در سال ۱۳۶۳ تحت پوشش این موضوع که رژیم افرادی را به داخل سازمان نفوذ داده و باید این افراد شناسایی شوند به عنوان رفع ابهام بسیاری از افراد معترض به انقلاب ایدئولوژی برخورد و زندانی شدند که این اصطلاح جنبه امنیتی و حفاظتی در تشکیلات پیدا کرد .

رمز / رمز نویسی / رمز قرار :

کلمه ، جمله ، حالت جسمی که ظاهری عادی داشته باشد (مفهوم باشد یا نباشد) ولی باطنش چیز دیگری باشد ، باطن رمز همیشه برای دو طرفی که آن را به کار می برند روشن است ، مثلاً جمله " چراغ قرمز است " به این مفهوم که خطر وجود دارد .
اگر دو فرد که همدیگر را نمی شناسند بخواهند قرار اجرا کنند به وسیله یک رمز یکدیگر را می شناسند ، این رمز به صورت یک جمله یا علامت می باشد ، مثلاً یک نفر می گوید : " میدان حسن آباد کجاست ؟ " دومی می گوید : " میدان حسن آباد را نمی دانم ولی میدان شهدا از این طرف است . " و از طریق رد و بدل کردن این جملات قراردادی به یکدیگر وصل می شوند .

روابط خارجی / روابط داخلی :

روابط درون تشکیلات مثل ارتباط افراد و قسمت های مختلف با هم را روابط داخلی می گویند .
روابط یک تشکیلات با افراد و تشکیلات دیگر مثل رابطه سازمان با گروه های مارکسیستی یا بنی صدر را روابط خارجی می خوانند .
در حال حاضر سیستم دیپلماسی و سیاسی سازمان را گویند و با عنوان RB نیز در تشکیلات شناخته می شود .

رو بودن :

به مسئله ای که برای همه روشن و آشکار است ، می گویند .

روی خود بودن :

به خود پرداختن ، به فردی که درگیر مسائل فردی و شخصی خود است ، گفته می شود یا فردی که به لحاظ ذهنی به خودش مشغول است .

روی ریل بودن :

در خط مشخص شده توسط تشکیلات قرار داشتن .

روحیه :

لفظی عام است که مختص نیست و همان مفهوم بیرونی را دارد ، ولی توسط آنها استفاده می شود .

روحیه فردی :

تمایل به فردیت و فردی بودن ، -----< فردی زندگی کردن ، عمل فردی .

روحیه جمعی :

تمایل به جمعی بودن ، با اجتماع زندگی کردن .

روحیه نظامی :

تمایل به کار نظامی ، آمادگی نظامی .

روز صفر :

در فرهنگ مشی چریکی روز انجام قطعی یک عملیات مشخص را روز صفر می نامند و لحظه شروع عملیات " ساعت صفر " است ، برنامه ها بر همان مبنا زمان بندی می شوند و از لحاظ نظامی و امنیتی و تدارکاتی مطابق زمان مقرر عمل می شود ، این اصطلاح در حال حاضر به کار نمی رود و گفته می شود روز " ر " و " ساعت " س " .

روشنفکر :

فردی که شعار می دهد و عمل نمی کند ، (به مفهوم معمولش) مفهوم واقعی روشنفکر یعنی کسی که توان دیدن مسائل پیچیده را به طور واضح داشته و آن را درک می کند ، در تشکیلات مجاهدین نوعی دشنام محسوب می شود .

رو کم کنی :

بنا به تعریف مسئولان سازمان در سالهای پیش از انقلاب جلساتی به صورت دوره های مذهبی وجود داشت که بعضی از افراد را که خیلی به اصطلاح " پر روگری " می کردند و یا ضعفهای فردی و خصلتی داشتند مورد انتقاد قرار می دادند و به اصطلاح رویشان کم می شد . این قبیل جلسات حتی گاهی به طور مستقیم " جلسه رو کم کنی " نیز نامگذاری می شده است ، حتی اگر نزد افراد رده پایین مطرح نمی شده ولی رده های بالا نزد خود این نامگذاری را داشته اند .

از بهرام آرام نقل است که برای تقی شاهرام در دوره های قبل از دستگیری اش در سال ۵۰ از این گونه جلسات برگزار می شده است . تا آنجا که مدارک نشان می دهد این اصطلاح تا اواخر سال ۱۳۵۵ نیز معمول بوده و در محاورات نیز به کار می رفته است ، مثلاً وقتی

گفته می شده که فلان فرد ، فلان حرف را زده یا فلان برخورد را کرده و یا فلان موضع را داشته (که کلاً از نظر مسئولان سازمان نادرست و نامطبوع تلقی می گشته) گفته می شده که لازم است روی فلانی را کم کرد ، در هر حال این رو کم کنی عبارت بود از خرد کردن شخصیت فرد . نیز <----- ماستخور گیری و تنگه خرد کنی .

رویارویی :

عیناً گرته برداری شده از واژه انگلیسی Face to Face (صورت به صورت) ، واژه ای است که مجاهدین در فرهنگ کتبی خود خیلی به کار می برند و مترادف " مصادف " ، " نبرد " ، " کارزار " است .

رویز یونیسف :

تجدید نظر طلبی ، آنچه که در فرهنگ اسلامی " بدعت " نامیده می شود ، مثلاً گفته می شود " حزب کمونیست شوروی بعد از استالین در اصول مارکسیسم تجدید نظر کرده و یک حزب رویز یونیسف است " .

رهایی :

از اصطلاحاتی است که سازمان آن را خلق کرده است و مترادف "نقوا" است ! در حقیقت رها شدن از افکار قبلی فرد و وابسته شدن به ارزش های تشکیلات و ایدئولوژی نفاق را می گویند .

رهبر انقلاب نوین :

از القاب مسعود رجوی در سازمان ، دگرگونی جدید در تشکیلات نفاق را انقلاب نوین می گویند و در جای دیگر اصطلاح " تعویض موتور " به کار رفته و یا بازسازی موتورهای سازمان نیز گفته شده ، که رهبر و مبدع این کار مسعود رجوی بوده ، فلینذا لفظ رهبر انقلاب نوین برای رجوی از سوی تشکیلات عنوان شده است .

رهبر والای ایدئولوژیکی :

از القاب تبلیغاتی بیرونی و القایی درونی در مورد مسعود رجوی در سازمان است .

رهبری پاکباز :

یکی از القاب تبلیغاتی که در مورد مسعود رجوی استعمال می شود .

رهبری جمعی :

از هفت اصل حاکم بر تشکیلات است که مجاهدین در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی عنوان نموده اند ، این اصطلاح و مفهوم آن را از مائو و مائوئیست ها اقتباس کرده اند ، مجاهدین این اصل را چنین توضیح می دهند که پیچیدگی مسائل اجتماعی و کیفیت یک سازمان انقلابی ایجاب می کند که رهبری آن به صورت جمعی اعمال می شود .

سازمانی که سلطه استبدادی مسعود رجوی را آن چنان بالا برده و تئوریزه کرده که او را تلویحاً _ امام زمان _ می دانند ، زمانی مدعی بود که برای این که نقاط ضعف یک فرد نتواند به طور تعیین کننده روی تشکیلات اثر بگذارد (به خصوص افرادی که در موضع رهبری قرار دارند) رهبری جمعی الزام آور می شود !

بر مبنای این اصل در سازمان های انقلابی مرکزیت متشکل از جمعی است که در مجموع بالاترین کیفیت سازمانی را دارا بوده و ذی صلاح ترین افراد آن سازمان ، چنین جمعی را تشکیل می دهند ، شیوه فوق مناسب ترین شیوه ممکن برای جلوگیری از انحراف از اصول است .

رهبری مقاومت :

یکی از القاب خاصی که در مورد مسعود رجوی به کار می رود .

رهنمود :

دستوری که تشکیلات به نیروها می دهد ، مشخصه هایی که مراحل مختلف یک کار را روشن و به درک یک موضوع کمک می کنند .

رهنمود ایدئولوژی _ سیاسی :

مشخصه هایی که فرد می تواند با آنها مسائل سیاسی _ ایدئولوژیک را بهتر درک کرده و تحلیل نماید و یا به آنها عمل نماید .

رهنمود تشکیلاتی :

دستور تشکیلاتی ، نیز همان مفاهیم را می رساند ، مثلاً تحلیل های مختلفی نظیر تحلیل چپ و راست _ دگماتیسم و کمک می کند تا افراد درک بهتری از مسائل سیاسی داشته باشند .

ریز شدن :

وارد جزئیات (از نظر سازمان) شدن و تشریح کردن موضوعی به طور کامل .

تاریخ: ۱۳۸۲/۱۰/۱۰

ز

زرد :

فرد یا محلی که احتمالاً لو رفته است و مشخص نیست که صد در صد لو رفته (قرمز) یا اصلاً لو نرفته (سفید) است . <-----
وضعیت زرد .

زمان بندی :

تقسیم بندی زمان و مهلت داده شده برای انجام مراحل مختلف یک کار یا تقسیم وقت محدود یک نفر برای مجموعه کارهایی که دارد ، مانند برنامه ریزی ، با توجه به این که مجاهدین عمدتاً خطوط و مرحله ای و تاکتیک های اجرایی خود را به شکل پروژه ای و پروژه های مستمر و مرتبط با یکدیگر دنبال می کنند از این رو زمان بندی همیشه دارای مفهوم مشخصی است که در اذهان نیروهای تشکیلاتی جا افتاده است .

زمینه / زمینه داشتن :

داشتن استعداد ، توانایی کاری را داشتن ، مثلاً گفته می شود فلانی زمینه تشکیلاتی شدن دارد ، یعنی استعداد بالقوه در او یافت می شود به " گرایشهای فردی " که عناصر تشکیلاتی نسبت به موضوعی دارند نیز زمینه گفته می شود .

زندادان :

محل نگهداری و بازداشت ناراضیان ، بریده ها و بعضی از اسرای ایرانی جنگ تحمیلی ، نام زندان ها اغلب نام قرارگاه یا اردوگاه و یا پایگاه

است که در مقطعی پایگاه بوده و با تقلیل یافتن زندانیان مجدداً پایگاه شده .
و به عبارتی هر قرارگاه یا زندان مخصوص دارد ، ضمناً سعی می شود که در روابط درون تشکیلات از این کلمه کمتر استفاده شود و از
الفاظی نظیر " مهمانسرا " و "قرنطینه " و استفاده می شود .

زندان اتوبان :

از زندان های سازمان در عراق ، که چون کنار یک اتوبان واقع است این نام را گرفته است.

زندان H :

از زندان های سازمان در عراق که ساختمان آن به شکل H است .

زندان اکبر زادگان :

از زندان های سازمان در بغداد ، که در ساختمان موسوم به اکبرزادگان (یکی از اعضای سازمان که از افراد کشته شده سازمان از بخش
حفاظت بوده) نامگذاری شده است .

زندان پشت میدان تیر :

از زندان های سازمان در عراق که به لحاظ موقعیت جغرافیایی که دارد توسط افراد ناراضی بدین شکل نامگذاری شده است .

زندان جلال زاده :

از زندان های سازمان در بغداد که به نام یکی از افراد و اعضای کشته شده قدیمی سازمان نامگذاری شده است .

زندان خادمی :

از زندان های سازمان در شهر سلیمانیه عراق که به نام یکی از افراد قدیمی و اعضای کشته شده سازمان به نام حمید خادمی نامگذاری
شده است ، ضمناً این زندان ها اساساً در ابتدا به عنوان زندان ساخته نشده و در ابتدا پایگاه سازمان بوده که مدتی به عنوان زندان از آنها
استفاده می شده است .

زندان دانشگاه :

از جمله زندان های سازمان در عراق است که چون محل آن قبلاً به اصطلاح دانشکده تعلیماتی مجاهدین بوده به این نام خوانده می شود.

زندان دبس :

از زندان های سازمان در اطراف شهر کرکوک عراق می باشد .

زندان رایتی :

یکی از پایگاه های سازمان در شهر کرکوک عراق ، که به دلیل این که به عنوان زندان مورد استفاده قرار می گرفته معروف به زندان شده
است .

زندان رضایی :

از زندان های سازمان در شهر بغداد .

زندان ساختمان شهرداری :

از زندان های سازمان در عراق می باشد .

زندان سردار :

مقری در کرکوک عراق ، که قبلاً از پادگان های ارتش عراق بوده است و در اختیار سازمان قرار گرفته تا ناراضیان و جدا شدگان را در آن
جای دهند ، سردار از القاب سازمان است که به موسی خیابانی گفته می شود .

زندان سعادت:

از زندان های سازمان در بغداد ، نام پایگاه نیز می باشد .

زندان سیفی:

از زندان های سازمان در بغداد .

زندان شفاهی:

از زندان های سازمان در شهر کرکوک عراق .

زندان ضابطی:

از زندان های سازمان در شهر بغداد .

زندان طباطبایی:

از زندان های سازمان در بغداد ، محل امداد پزشکی نیز می باشد .

زندان غیور:

از زندان های سازمان در شهر ماوت عراق .

زندان گرمی:

از زندان های سازمان در شهر کرکوک عراق .

زندان مصباح:

از زندان های سازمان در شهر سلیمانیه عراق .

زندان ملک مرزبان:

از زندان های سازمان در شهر بغداد .

زندان منصوری:

از زندان های سازمان در شهر کهریزه عراق .

زندان مهمانسرا:

از زندانهای تشکیلات در عراق ، واقع در پادگان اشرف .

زندان میرزایی:

از زندان های سازمان در شهر بغداد .

زوج:

زن و شوهری که به صورت محمل عمل می کردند و در تهیه خانه های تیمی و نقل و انتقال مدارک و سلاح از آنها استفاده می شده است .

زیر تیغ (بودن):

وقتی یک نفر در تشکیلات (بیشتر در سطوح و رده های بالا) به خاطر یک عملکرد یا عوارض یک تاکتیک و حتی شکست استراتژیک زیر فشار افکار عمومی بدنه تشکیلات قرار می گیرد و هر لحظه عملکردش زیر نظر است تا به بهانه ای ولو کوچک ساقط و یا حذف شود

می گویند فلانی زیر تیغ است یا زیر تیغ قرار دارد .

زیر تیغ اصولاً به مرحله قبل از تهاجم می گویند و در مرحله تهاجم حتی در سال ۵۹ _ ۵۸ نیز خود را اصطلاحاً در روابط اعضای بالای تشکیلات " زیر تیغ " تلقی می کردند .

زیر جذب :

مرحله قبل از جذب ، در آستانه جذب و جذب شدن ، به هواداران فعال و غیر تشکیلاتی گفته می شود که برای ورود به تشکیلات آماده شان می کردند .

س

ساری و جاری :

ساری = سیر داشتن ، جاری = جریان داشتن ، به روابط و کارهایی که مستمراً جریان دارد گفته می شود و به جای این که مثلاً بگویند : در تشکیلات فلان رابطه جریان دارد می گویند : در تشکیلات فلان رابطه بین افراد ساری و جاری است .

ساده / پیچیده :

ساده به معنی بی پیرایه ، یکسان ، هموار _ پیچیده یعنی ناهموار ، مشکل (مقابل ساده) قاعدتاً ساده در مقابل مرکب به کار می رود ولی در فرهنگ سازمان ساده در مقابل پیچیده به کار می رود .
و در اینجا مراد از ساده ، ابتدایی ، پیش پا افتاده ، کم فهم و مفاهیمی از این قبیل است و پیچیده به مفهوم متکامل ، پیشرفته ، تکامل یافته و طراز سازمان به کار می رود .

حرکت از ساده به پیچیده :

مثلاً برای آموزش اول حروف الفبا را می آموزند بعد جمله بندی و خواندن و بعد آموزش سایر علوم شروع می شود و همین طور مشکل تر می شود
همان مسیر تکامل از دیدگاه و فرهنگ مارکسیستی را معنی می دهد و از آموزش های پایه ای و اصول مارکسیستی است که عیناً با همان مفهوم در سازمان به کار می رود و یک اصل کاملاً پذیرفته شده و بدیهی است .

ساده سازی مکانیستی :

با مسائل با سادگی ذهنی و مکانیکی و ظاهری برخورد کردن و در مقابل آن پیچیدگی های پدیده ها را دیدن و برخورد " دینامیکی " و عمیق با موضوعات و پدیده هاست .

سازش :

صلح کردن ، ساختن ، کنار آمدن دو نیرو یا قدرت سیاسی به ظاهر مخالف یا در واقع مخالف ، این اصطلاح اصولاً معنی و مفهوم منفی در اذهان تشکیلاتی دارد و بیشتر به مفهوم ساخت و پاخت است تا درک متقابل و کنار آمدن اصولی .

سازماندهی :

مرتب کردن و قرار دادن هر نیرو و هر فرد در جای خود ، تقسیم بندی و تعیین وظایف هر بخش ، نهاد ، قسمت ایجاد ارتباط از بالا تا پایین ، آنچه که لازمه ایجاد یک سازمان به طور اصولی است ایجاد و اجرا کردن سازماندهی نام دارد .

انواع سازماندهی / زنجیره ای / خوشه ای :

زنجیره ای یعنی: هر فرد یا قسمت به فرد یا قسمت بعدی متصل است، مثل حلقه های زنجیر، به این نوع سازماندهی زنجیره ای می گویند.

خوشه ای: نوع دیگر سازماندهی است که هر چند نفر به یک نفر وصل بوده و همین طور بالا می رود تا کل تشکیلات به مرکزیت وصل شوند.

ساعت صفر:

ساعت شروع یک عملیات مشخص در روز معین که به روز صفر معروف است.

سانترالیسم / سانترالیسم دمکراتیک:

مرکزیت، مرکزیت دمکراتیک، سانترالیسم در اصل به معنی گرایش به مرکز است، هسته مرکزی و رهبری یک گروه یا سازمان به شیوه احزاب کمونیستی را سانترالیسم می گویند که در مجاهدین نیز متداول بود.

در اصطلاح یک تشکیلات انقلابی دارای کادر رهبری مرکب از افراد ذی صلاح است که مجموعه تصمیم گیری ها و هدایت تشکیلات به آنان راجع است، اضافه لفظ دمکراتیک به سانترالیسم یا مرکزیت ظاهراً بدین قصد است که بگویند توده های سازمان نقش تعیین کننده دارند.

اصل مرکزیت دمکراتیک از اصول هفت گانه حاکم بر تشکیلات از نظر مجاهدین ترجیح دارد، در گروه مجاهدین در دوران اول حیات تشکیلات (۵۰ - ۱۳۴۴) دمکراسی بر مرکزیت ترجیح دارد.

در دوران دوم (۵۲ - ۱۳۵۰) در عین وجود یک دمکراسی کم رنگ مرکزیت از اقتدار بیشتری برخوردار است، ولی به هر حال اطلاق سانترالیسم دمکراتیک تا حدی خالی از اشکال است.

در دوران سوم (۵۶ - ۱۳۵۲) دمکراسی حذف می شود و صرفاً مرکزیت است که نقش اصلی را به عهده دارد، پس از پیروزی انقلاب اسلامی روند حرکت ابتدا در جهت تثبیت و تحکیم مرکزیت منتهای دمکراسی است و از سال ۶۰ به بعد کل تشکیلات به سوی تحکیم سلطه فردی گام بر می دارد.

و در نهایت مسعود رجوی تنها بیکه تاز میدان می گردد و چیزی به نام مرکزیت هم حذف و همه اختیارات و هژمونی تشکیلات در فرد خلاصه می شود و اعضا و کادرهای همه جانبه قبلی و دفتر سیاسی و همه کادرهای بالا تبدیل به هیئت اجرایی و صرفاً صلاحیت ها برای اجرا است نه هدایت و خط دهی.

ستاد:

مرکز اصلی فرماندهی در تشکیلات را می گویند.

ستاد تلفنی:

مرکز تلفن، مرکزی که از طریق تلفن خطوط تشکیلاتی را به بدنه تشکیلات منتقل می کند و افراد قسمت های مختلف تشکیلات نیز موظف به گزارش دهی تلفنی به مرکز مزبور هستند، علاوه بر آن عمدتاً این گونه ستادها موقتی است و در بعضی شرایط بحرانی ایجاد می شود.

ستاد مرکزی:

مرکز کل فرماندهی، ستاد ولی عصر، ستاد انزلی و ستاد نارمک از مراکز فعالیت مجاهدین.

ستاد داخله:

بخشی از تشکیلات مجاهدین که کار اعزام تیم های تروریستی به داخل کشور را انجام می دهد، با این نامگذاری ضمناً قصد القا این موضوع را داشتند که صرفاً ستاد فرماندهی نیروهای تروریستی داخل کشور در عراق قرار دارد و نیروهای عمل کننده از داخل کشور هستند و نه اعزامی از عراق!!

ستاره / سه ستاره / چهار ستاره:

مدارک درون تشکیلات برحسب اهمیت اطلاعاتی و امنیتی که داشتند درجه بندی می شوند و توسط علامت ستاره مشخص می شدند،

کم اهمیت ترین مدارک درجه ۳ نامیده شده و یک ستاره داشتند ، مدارک درجه دو ۲ ستاره و مدارک درجه یک ۱ ستاره و مدارک سوپر و خیلی مهم با ۴ ستاره مشخص می شدند .

سرانگستان رژیم :

اصطلاحی که مجاهدین به پاسداران اطلاق می کردند و در مرحله ای استراتژی ها و تاکتیک های پی در پی شکست خورده مجاهدین به کار می رفت . نیز <-----> **زدن سرانگستان رژیم / عملیات گسترده .**

سر پل / سر پل تلفنی :

تلفنی که ارتباط بین دو نفر یا دو مجموعه را برقرار نمود و حفظ می کند .

سرخ (قرمز) :

مراکز و ساختمان هایی که محل فعالیت بوده و شناسایی می شدند از نظر امنیتی ، سرخ یعنی لو رفته محسوب می شده و استفاده از آنها ممنوع بود . نیز <-----> **وضعیت سرخ (قرمز) .**

سرگروه :

در رده بندی های تشکیلاتی مسئول چند تیم را سرگروه می گویند .

سر نخ :

مطلب و موضوعی هر چند کوچک و ابتدایی درباره یک مسئله که با دنبال کرده آن تمام مسائل روشن می شود .

سرنگونی :

واژه ای که معادل براندازی است و مجاهدین در بیانیه ها و تبلیغات خود مکرراً از آن استفاده می کنند .

تاریخ: ۱۳۸۲/۱۰/۱۱

سرنگونی ضربه ای :

براندازی ضربه ای ، یکی از تاکتیک های مرحله ای که در مراحل اولیه فاز نظامی برنامه ریزی شده بود و بدین طریق قصد سرنگونی جمهوری اسلامی ایران با یک ضربه سنگین مانند انفجار ۷ تیر ۱۳۶۰ حزب جمهوری اسلامی ایران را داشتند .

سفره رجوی / سفره سازمان :

منظور دستاوردهای انقلاب ایدئولوژی است ، آنچه انقلاب ایدئولوژیک و رجوی و سازمان مهیا و آماده بهره برداری کرده است تا اعضا بر سر آن بنشینند و تغذیه شوند و عمدتاً در روابط درون تشکیلاتی به کار می رود تا به نیروها القا کنند که مدیون و ریزه خوار سازمان رجوی هستند .

سفید :

به خانه تیمی یا مرکز فعالیت یا اعضا و افرادی که از هر نظر مخفی مانده و از نظر امنیتی کاملاً مورد اطمینان بوده و لو نرفته و شناسایی نشده بودند سفید گفته می شد .

سقوط شتابان :

تعبیر دیگری از براندازی یا سرنگونی ضربه ای است که رجوی به کار برده است ، عمدتاً برای نظام و سیستمی که به سمت ساقط شدن می رود به کار می رود . نیز <-----> **براندازی ضربه ای .**

سکتاریسم :

سکت یعنی فرقه ، گروه ، دسته کوچک و بسته (منزوی و محدود) در اصطلاح گروههای سیاسی از جمله مجاهدین ، سکتاریسم به دو مفهوم به کار می رود : مفهوم نخست برگرفته از مارکسیست ها و نظریه لنین است و درباره جریانی به کار می رود که خارج از چارچوب های تعیین شده حزبی گام بر می دارد و به تعبیری دیالکتیک پروسه های اجتماعی را در نظر نمی گیرد ، اهل تکروی و ذهنی گرای است و زائیده دگماتیسم و چپ روی است .

مفهوم دوم به معنی انشعاب و جدا شدن از مجموعه تشکیلات است ، در واقع تشکیلات خود را محور و اصل می داند و هر گونه انحراف یا مخالفت را با القاب و نام های تعریف شده مارکسیستی مورد حمله قرار می دهد

سمبل :

علامت ، اشاره ، رمز ، نمونه ، نماینده ، شعار ، اشاره و علامتی که معرف چیزی باشد ، مجاهدین رجوی را سمبل خود و در مراحل سمبل نسل جوان می دانستند.

سمبل کردن :

سر سری و ساده گرفتن کار ، از سر باز کردن کار .

سمبل زن انقلابی :

از القاب اشرف ربیعی همسر اول رجوی .

سمپات / سمپاتیان / سمپاتی :

همدردی ، تشریک مساعی ، اصطلاحی که برای هواداران تشکیلاتی به کار برده می شد ، حرف S که در رده بندی هواداران (S 2 , S1 ,) به کار می رفته نیز مخفف همین کلمه است .

در گذشته پیش از انقلاب سمپات کسی بود که ایدئولوژی و استراتژی سازمان را قبول داشت ولی به دلایلی هنوز نمی توانست در مناسبات سازمانی و درون تشکیلات قرار گیرد ، انضباط سازمان را بپذیرد و مانند یک عضو از مرکزیت تبعیت کند . در واقع پس از کادر و عضو قرار می گرفت و به تعبیر دیگر کسی بود که زندگی معمول خود را داشت و بسته به امکانات ، روحیه ، میزان علاقه و درجه آگاهی اش نسبت به سازمان با آن همکاری می کرد . مثلاً خانه و وسیله نقلیه خود را در اختیار سازمان قرار می داد و یا خانه و اتاق را به نام خود برای تشکیلات اجاره می کرد ، قبل از انقلاب هر فردی که در یک رابطه غیر حرفه ای و علنی قرار داشت و از آن طریق با سازمان رابطه داشت و یک سری کارهای جنبی و فرعی تشکیلاتی را انجام می داد یا فقط کمک مالی می نمود و سمپاتیان تلقی می شد که تا حدودی به مفاهیم و معانی مصطلحی درباره سمپات نزدیک است .

سنگ اندازی :

ایجاد مانع ، تولید اشکال ، مثلاً رژیم در راه ما سنگ اندازی می کند ، یعنی که مانع انجام کار و فعالیت ما می شود .

سنگریزه روشنفکری :

رگه های لیبرالی .

اطلاعات سوخته :

اطلاعاتی که به درد نمی خورد ، اطلاعاتی که لو رفته است .

سوپر لمپن :

از القابی که به مخالفین سازمان می دهند ، به کسی که با پرویی زایدالوصف با سازمان برخورد می کند می گویند . نیز <---- لمپن .

سوژه :

موضوع ، زمینه ، مضمون ، مبحث ، آنچه روی آن بحث یا بررسی یا آزمایش شود ، اصطلاحاً به افراد و یا اماکنی که قرار بود به عنوان موضوع ترور یا انفجار باشد نیز اطلاق می شد .

سوزه تبلیغاتی :

موضوع و مطلبی که به درد کار تبلیغاتی می خورد .

سوزه عملیاتی :

فرد و مکانی که عملیات در مورد آنها صورت می گیرد ، فردی که ترور می شود ، مغازه یا خانه ای که منفجر شده یا آتش زده می شود .

سیاسی / سیاسی _ نظامی :

یعنی در کنار فعالیت سیاسی به مبارزه نظامی نیز دست زدن ، به طرح موضوع سیاسی که دارای هدف نظامی است و یا از راه نظامی صورت می گیرد می گویند .

سیاسی _ فرهنگی :

در نهاد دانش آموزی به یک قسمت سیاسی _ فرهنگی گفته می شد .

اطاعیه سیاسی _ نظامی :

کار سیاسی که بعد از یک عمل نظامی با پخش یک اطلاعیه صورت می گیرد و یا اطلاعیه ای که قبل از انجام عمل نظامی و در رابطه با عمل نظامی برنامه ریزی شده برای آینده صادر می شود ، مثل اطلاعیه سیاسی _ نظامی قبل از ۳۰ خرداد .

سیاسی کار :

این اصطلاح توسط مجاهدین و گروه های مشابه چپ به کسی اطلاق می شد که در دوران طاغوت با مشی مسلحانه مخالف بودند و کار سیاسی و تئوریک را بارو داشتند .

سید :

اسم مخفف سید محمد رضا سعادت‌تی در زندان شاه که خطاب اعضای سازمان به وی بود ، پس از انقلاب و دستگیری سعادت‌تی نیز از این تعبیر در نشریات سازمان به خصوص هنگام نقل خاطرات زندان شاه به کرات استفاده شده است .

سیستم :

اسلوب ، قاعده ، ترتیب ، نوع ، روش ، در اصطلاحات مجاهدین به خصوص در دوره به اصطلاح فاز سیاسی کلمه سیستم نیز معنی مجموعه حاکمیت جمهوری اسلامی را داشت و تقریباً مترادف کلمه رژیم بود .

سیستم سازی :

تهیه و ساختن سیستم ، تدوین و تهیه اسلوب و قواعدی برای انجام کار .

سیستم ارتباطات :

تشکیلات و سازماندهی مربوط به ارتباطات را می گویند .

سیکل :

دور ، دوره ، دوره انجام یک کار .

سیمای آزادی :

اسم شبکه تلویزیونی ماهواره ای مجاهدین است که پیش از این نامگذاری از عنوان سیمای مقاومت استفاده می شد .

سیمای مقاومت :

نام قبلی شبکه تلویزیونی ماهواره ای سازمان است که بعداً به سیمای آزادی تغییر نام یافت .

سیمای یک مسلمان :

این کتاب که به امام حسین و راه حسین (ع) هم معروف شده از کتب تحلیلی سازمان پیش از ضربه شهریور ۵۰ و منسوب به احمد رضایی است ، کتاب فوق که تحلیلی التقاطی از قیام سیدالشهداء (ع) و تاریخ چند دهه نخست پس از وفات پیامبر اکرم (ص) است محصول کار جمعی " گروه ایدئولوژی " است . که اخبار و مستندات تاریخی آن توسط احمد رضایی استخراج شده و به رغم نفی و رد ماتریالیسم فلسفی (بی خدایی) به خصوص در فصل آخر کتاب ، باز مبنای ماتریالیسم تاریخی و تحلیل طبقاتی است ، مقدمه کتاب نوشته مصطفی شاعیان (مارکسیست غیر لنینی) است .

سیمرغ :

اصطلاحی است که مجاهدین از اساطیر ایرانی به عاریت گرفته اند و مریم فجر عضدانلو (رجوی) را به آن تشبیه می کنند و موارد کاربرد آن را رجوی این گونه مطرح می سازد که " سیمرغ امانتی است که باید پس از پیروزی بر رژیم آن را به مردم ایران باز گرداند " .

سیمرغ رهایی :

از القاب مریم فجر عضدانلو که رجوی به وی داده است .

سیمرغ مریم :

اساساً مریم را سیمرغ می گویند ، به همان مفهومی که در " منطق الطیر ، عطار " آمده است .

تاریخ: ۱۳۸۲/۱۰/۱۲



شاخه :

شعبه ، قسمت ، به هر یک از مراکز فعالیت تشکیلاتی در استان ها و شهرستان ها یک شاخه می گفتند ، مثلاً هر گاه گفته می شد شاخه آذربایجان منظور از آن تشکیلات مستقر در تبریز بود که کل استان را زیر پوشش داشت .

شانناز :

واژه ای فرانسوی و به معنی " باج سبیل " است و در فرهنگ سیاسی به مفهوم ایجاد فشار روحی به منظور کسب امتیاز است ، در اصطلاح مکر ، حيله ، نیزنگ . مثلاً شانناز سیاسی به مفهوم به کار بردن نیزنگ سیاسی به وسیله یک فرد یا یک جریان علیه فرد یا جریانی دیگر .

شب خواب :

جایی و مکانی که فرد تشکیلاتی شب را در آنجا به سر می برد و می خوابید .

شرایط :

جمع شرط به معنی الزامات ، به این اصطلاح در توجیحات سیاسی درون تشکیلاتی خیلی اهمیت داده می شود و از جمله پارامترهایی است که برای توجیه عملکرد و خطوط سیاسی به کار می رود .

شرایط عینی :

شرایط مادی و فرهنگی ، شرایط عینی یا مادی عبارت است از آمادگی مادی جامعه و مردم برای تغییر بنیادی جامعه (انقلاب) ، این آمادگی عبارت است از فقر ، بدبختی و آنچه را که می خواهند نزد نیروها مهم تر جلوه دهند با تعبیری همچون شرایط عینی جامعه یا شرایط ملموس از آن یاد می کنند .

شرایط ذهنی یا فرهنگی :

شرایط ذهنی یا فرهنگی همان آمادگی فکری ، رشد و بلوغ فکری ، است وضعیت و چگونگی نیز معنا می دهد .

شرف ایدئولوژیک :

بالاترین موضعی که بار ایدئولوژیک دارد ، اعم از مسعود و مریم ، کشته شدگان سازمان ، یا ایدئولوژی سازمان ، در مجموع به آنچه از جنبه عقیدتی مایه افتخار است گفته می شود و از الفاظ خود ساخته خرده فرهنگ مجاهدین بعد از سال ۶۳ می باشد .

شفافیت ایدئولوژیک :

صراحتاً و به صورت فاش روند ایدئولوژی سازمان یا مراحل انقلاب ایدئولوژیک را پذیرفتن .

شعارهای استراتژیک :

شعارهایی که اهداف اصلی حزب یا تشکیلات را در یک مرحله معین استراتژیک بیان می کند .

شعارهای تاکتیکی :

شعارهایی که برای مراحل کوتاه مدت با خواست های مشخص تاکتیکی معین می شود، این شعارها لزوماً طوری تعیین و عمل می شود که به هدف استراتژیک منتهی گردد .

شگری :

صامت ، بصیری، که همه به معنی بی سیم گیرنده است .

شکستن طلسم اختناق :

مجاهدین چنین تحلیل می کنند شدت سرکوب و اختناق موجب ایجاد نوعی طلسم و بسته شدن جامعه شده که بایستی این طلسم شکسته شود و این خط تاکتیکی مرحله ای است . <----- عملیات گسترده ، زدن سرانگشتان رژیم .

شکل / شکل و محتوی / شکلی :

شکل به معنی ظاهر و نمای علنی ، شکل و محتوی به معنی ظاهر و باطن و شکلی به معنی ظاهری است ، مثلاً در شکل و محتوی یک پوستر تبلیغاتی شکل عبارت است از نمای آن که مثلاً یک فرد را نشان می دهد که چکشی در یک دست و اسلحه در دست دیگر دارد . (کارگر)

اما محتوی در واقع پیام و مفهومی است که از دقت در کنه مطلب دستگیر می شود ، مثلاً این که کارگر و زحمت کش با اسلحه است که می تواند حق خود را بگیرد ، منظور رابطه قهری بین شکل و محتوی و تأثیر متقابل آنها از یکدیگر است .

شناخت :

شناسایی ، آشنایی ، فهم و دریافت ، روش دریافت و تحلیل قضایا .

شناخت (کتاب) :

کتاب اول ایدئولوژی سازمان که در سال ۴۸ توسط گروه ایدئولوژی نوشته شد ، نویسنده این کتاب حسین احمدی روحانی بود ، که بعدها مارکسیست شد و در تشکیل گروهک پیکار نقش داشت .

ولی بعداً توسط حنیف نژاد یادداشت ها و پی نوشت هایی بدان افزوده شد ، مضمون اصلی این کتاب توصیف و تبیین چهار اصل ماتریالیسم دیالکتیک (حرکت ، تضاد ، تأثیرات متقابل و تبدیل تغییرات کمی به کیفی) است که تحت عنوان اصول شناسایی دینامیک مورد بحث قرار گرفته و آیاتی از قرآن و جملاتی از نهج البلاغه بر آنها منطبق دانسته شده است .

شناسایی :

به مفهوم شناخت پیدا کردن ، اصطلاحاً در عملیات نظامی بعد از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ قرار بود فردی ترور شود یا مکانی بمب گذاری شود قبلاً اطلاعاتی راجع به مشخصات فرد ، مسیر و ساعت رفت و آمد ، وضع محافظان ، وسیله نقلیه مورد استفاده و و در مورد مکان میزان حفاظت از آن ، بهترین محل برای قرار دادن یا پرتاب بمب و جمع آوری اطلاعات را اصطلاحاً شناسایی می گفتند . در همین رابطه واژه های شناسایی اولیه و شناسایی عملیاتی نیز استفاده می شده است .

شهید حقوق بشر :

لقب سازمان برای کاظم رجوی که در سوئیس به قتل رسید .

شهید حقوق پناهندگان :

لقب سازمان برای زهرا رجبی که در ترکیه کشته شد .

شور :

همان شورا است که این گونه گفته می شود ، مجموعه افراد هم رده که کارهای اجرایی یک بخش ، منطقه ، ناحیه ، انجمن ، اتحادیه و را به عهده داشتند شور آن قسمت گفته می شدند ، البته در رده های پایین تر کار مشورتی صورت نمی گیرد و تنها خطوط مستقیماً از بالا گرفته و اجرا می شد .

شور و شعف ایدئولوژیک :

با خوشحالی و سر از پا نشناختن مبانی ایدئولوژی سازمان یا روند انقلاب ایدئولوژیک را پذیرفتن ، در ضمن به طور عام وقتی یک عضو یا مسئول تشکیلات رضایتی بروز می دهد به این عنوان تعبیر می شود . در حقیقت در توجیه ابراز احساسات جمعی افراد نسبت به سرکرده مجاهدین از این گونه واژه ها استفاده می شود .

شور و نشور :

در هر مرحله از انقلاب ایدئولوژی و یا در هر مرحله از تغییر خط و خطوط و مطرح شدن خطوط و اخبار سازمانی افراد یا واقعاً و یا بر اساس فرمالیسم و ریاکاری از خود عکس العمل های شدید تأیید آمیز همراه با کف زدن ، اظهار شادی و یا حتی گریه بروز می دهند این عکس العمل ها را شور و نشور می گویند .

شورای ملی مقاومت :

مسعود رجوی و ابوالحسن بنی صدر در اوایل مرداد ماه ۱۳۶۰ به وسیله هواپیمایی به خلبانی سرهنگ بهزاد معزی (خلبان ویژه شاه) از کشور گریخته و به پاریس رفتند و هم زمان تشکیل شورای ملی مقاومت را متقابلاً اعلام کردند . ارکان اساسی این شورا را علاوه بر شخص بنی صدر خود سازمان مجاهدین و حزب دمکرات کردستان که بعداً ملحق شد ، تشکیل می دادند و بقیه اعضای شورا گروه های کوچک و یا شخصیت های منفرد (اکثراً وابسته به سازمان) بودند . تشکیل شورا در آن مقطع در واقع ارایه یک آلترناتیو سیاسی غرب پسند بود ، رجوی و بنی صدر قصد داشتند با تشکیل شورا علاوه بر بعد نظامی و عملیاتی ، ابتکار عمل سیاسی را نیز علیه جمهوری اسلامی به عنوان تنها آلترناتیو در دست گیرند . شورای ملی مقاومت به سرعت از شرکای رجوی خالی شد و او ماند و چند تن از مستخدمین وابسته به دلارهای سازمان ، خروج متین دفتری از شورا ، پس از انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ از آخرین اتفاقات مربوط به این تشکل است ، تشکلی که صرفاً پوشش سیاسی گروه

رجوی است .

شیوه / شیوه کار / شیوه عمل :

طرز ، متد ، روش / طرز کار یا عمل / روش کار یا عمل (تکیه کلام است) .

تاریخ: ۱۳۸۲/۱۰/۱۳

ص

صاحب خانه :

اصطلاحی که مجاهدین مزدور عراق به کشور میزبان اطلاق می کنند ، پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران از طرف رده های بالای سازمان (شاید به قصد القای عمل گرایی) نقل می شد که صاحب خانه (عراق) به ما فشار می آورد ، یا صاحب خانه ما را جواب کرده است ، همچنین برای عراق از عناوینی همچون عارفی و دوستان نیز استفاده می شود .

صامت :

گیرنده بی سیم ، نوعی گیرنده که به شنود دستگاه بی سیم می پردازد .

صحنه / صحنه عمل :

منظور صحنه عمل اجتماعی و جامعه است .

صداقت ایدئولوژیک :

از اصطلاحات پس از انقلاب ایدئولوژیک به معنی خود را به سازمان ارائه دادن ، خود را در معرض شستشوی مغزی سازمان قرار دادن ، و واگویی صریح و عریان با مقاصد ایدئولوژیک ، در حقیقت راستگویی و تسلیم در مقابل مسئول بالاتر را می گویند .

صداقت تشکیلاتی :

علیه خود (به صورت انتقاد از خود و اعتراف اغراق آمیز به گناه) و دیگر افراد گزارش دادن ، در قبال تشکیلات و مسئولیت وقت طراز سازمان رفتار کردن .

صدای مجاهد :

نام شبکه رادیویی مجاهدین است که روی امواج کوتاه و متوسط از خاک عراق پخش می شود ، صدای مجاهد توسط سعید شاهسوندی (عضو جدا شده تشکیلات) در زمستان ۱۳۶۰ شروع به کار کرد .

صفر صفر کردن :

تسویه حساب کردن با رهبری ، پذیرش اشتباهات خود و قبول این که در مقابل رجوی بدهکار است و می پذیرد که با فعالیت بیشتر یا پذیرش رده پایین تر جبران کند ، البته هر گونه تسویه حساب حتی تسویه حساب های تدارکاتی را هم صفر صفر می گویند .

صلیب به دوش کشیدن :

تا آخر با سازمان بودن ، تا انتها سازمان را یاری دادن ، آمادگی کشته شدن داشتن و پذیرش همه گونه همراهی را (حتی کشته شدن و با علم به کشته شدن همراهی کردن) می گویند .

این واژه در نشستی که رجوی هم زمان با بمباران عراق توسط متحدین داشت در تشکیلات توسط او مطرح و باب شد .

صلاحیت :

آماده پذیرش هر نوع کار و مسئولیت و یا شنیدن یک موضوع و مطلب ، داشتن لیاقت و عرضه ، محق بودن برای پذیرش مسئولیتی از نظر تشکیلات .

صلاحیت تشکیلاتی :

آمادگی انجام کار و مسئولیت تشکیلاتی منطبق با موازین و ضوابط تشکیلاتی .

صنفی Se :

تدارک صنفی مثل غذا و مواد اولیه ، پوشاک ، پول ، وسیله نقلیه و مسکن .

صوری :

شکلی ، ظاهری ، مثلاً جنبه صوری دارد ، یعنی ظاهری است ، عمدتاً در موارد منفی و برای محکوم نمودن پیشاپیش یک موضوع به کار می رود .

ض

ضابطه / ضوابط (امنیتی ، تشکیلاتی ، اجرایی) :

مقررات و موازین ، مثلاً اطاعت از مسئول و فرمانده جزء ضوابط تشکیلاتی بود ، یا ضد تعقیب زدن جزء ضوابط امنیتی است ، یعنی جزء مقررات و موازین بوده و لازم الاجرا بوده اند .

ضد تعقیب :

کلیه کوشش های انجام شده برای این که فرد مطمئن شود که در هنگام خروج و در طول مسیر مورد تعقیب نبوده است .

نیز <----- تعقیب و مراقبت .

ضربه / ضربه سیاسی :

مقصود ضربه ای است که باعث تضعیف سیاسی یک فرد یا جریان شود .

ضربه نظامی :

دستگیر شدن یا کشته شدن یک فرد یا افراد را می گویند .

ضربه سال ۵۰ / ضربه شهریور :

عنوان اختصاصی ضربه گسترده ساواک و پلیس سیاسی رژیم شاه به خانه های تیمی متعدد سازمان در اول شهریور سال ۵۰ . یک عنصر توده ای سابق به نام دلقانی (کرد و اهل کرمانشاه) که در دهه چهل در زندان با یکی از اعضای بعدی سازمان آشنا شده بود اطمینان رهبری سازمان را جلب کرد و با این عنوان که می تواند برای گروه سلاح تدارک کند ، رد مشخصی به ساواک داد که آنها نیز با تعقیب و مراقبت های طولانی و دقیق ، موفق به شناسایی چندین خانه تیمی و جمع کثیری از اعضای تشکیلات مورد نظر شد .

ضرورت ایدئولوژیک :

ازدواج مسعود رجوی با مریم قجر عضدانلو .

برای تفصیل در این خصوص <----- انقلاب ایدئولوژیک .

ضرورت وجود انقلابیون حرفه ای :

از هفت اصلی است که مجاهدین برای یک تشکیلات بر شمرده اند ، اصطلاح انقلابی حرفه ای نخستین بار توسط لنین در کتاب چه باید کرد عنوان شده و تبیین آن چنین است که حرکت انقلابی مستلزم این است که کادرهای اصلی تشکیلات حرفه ای باشند ، یعنی انقلاب و سازمان برای آنها همه چیز باشد و تمام وقت آنها در خدمت تشکیلات باشد .
مجاهدین ضمن توضیح این اصل مطالبی می نویسند که بیانگر التقاط فکری بر اندیشه آنان است : " در تاریخ انقلابات اخیر بیش از همه لنین روی ضرورت یک سازمان انقلابی تکیه کرده است که این تأکید در عمق خود به معنی نزدیکتر شدن به جهان بینی توحیدی است ."

ضعف / نقطه ضعف :

سسستی ، ناتوانی ، نقطه ضعف به معنای نقطه و جایی که فرد در آنجا سست بوده و در انجام کار ناتوان است ، به کار می رود

تاریخ: ۱۳۸۲/۱۰/۱۵



طاق ایدئولوژیک :

مجاهدین مدعی هستند که همیشه بایستی زیر یک سقف و یک چتر ایدئولوژیک حرکت کنند و در جریان انقلاب ایدئولوژیک گفته شد که " طاق ایدئولوژی " سازمان توسط رهبری (رجوی) بالاتر از هر زمان دیگر ترسیم و مشخص شد .

طبقه :

این واژه عیناً از آموزش های مارکسیستی و سوسیالیستی وام گرفته شده و همان معنی را در تشکیلات افاده می کند ، یک دسته یا صنف از مردم مثل کارگر و سرمایه دار .

طرح / طرح عملیات :

طرح به معنی برنامه است و طرح عملیات به معنی برنامه انجام عملیات نظامی می باشد .

طلبکار شدن / طلبکاری :

سرکشی و سؤال کردن و از بعضی از عملکردهای سازمان و رهبری انتقاد کردن و زیر بار هر تحلیل و کاری نرفتن را در تشکیلات نفاق طلبکاری یا طلبکار شدن می گویند .

طیف / طیف نیروها :

خطی که چند پدیده به ترتیبی روی آن قرار بگیرند مثل طیف نور سفید ، قبلاً گفته شد که مجاهدین خود را چپ ترین چپها می نامیدند

(به معنی چپ مراجعه شود) سپس سایر نیروها را به ترتیب نزدیکی مواضع شان به مواضع خود از چپ به راست پهلوی هم قرار می دادند که این را طیف نیروها می نامیدند .

این گونه : _____ × × × _____ × × _____ ×
امپریالیسم حزب توده فدایی مجاهدین

ظ

ظاهری :

شکلی ، در ظاهر ، مانند مشخصات ظاهری (سن ، قد ، رنگ پوست و)

ظرفیت بی نهایت :

یکی از توصیف هایی که برای رجوی به کار می رود ، مظهر صلاحیت بالای رهبری .

ظرفیت داشتن :

تحمل برخوردهای مسئولین را داشتن ، استعداد تحمل تحقیرها ، حملات ، نسبت های ناروا که از سوی مسئول رده بالا اعمال می شود .

ع

عارفی :

عارفی ها = عراقی ها ، اصطلاحی خاص که به معنی عراق است ، گاه به عراقی ها نیز عارفی می گویند .

نیز <----- بخش عارفی

عادی :

نرمال ، معمولی ، طبیعی ، در اصطلاح مجاهدین و دیگر گروه ها یعنی وضعیتی یا موقعیتی برای فرد که خطری آن را تهدید نمی کند .

عادی برخورد کردن :

رفتاری که تولید شک و سوء ظن پلیس امنیتی ننماید ، رفتار ، یز و فیگور در برخوردهای فردی و اجتماعی که از هر گونه ایجاد سوءظن به دور باشد .

عادی سازی :

همرنگ با محیط شدن را می گویند ، ایجاد زمینه ها و بروز دادن نوعی رفتار که با محیط معمول منطبق باشد ، ایجاد حالت یا حالت هایی که از لو رفتن فرد ، مکان و امکانات پیشگیری کند .

فی المثل یک نفر یا بیشتر در محلی مثل خیابان ، کاپوت اتومبیل را بالا زده در ظاهر به تعمیر یا دستکاری آن مشغولند تا بتوانند در این فضای امن عادی شده مدارکی را رد و بدل کنند ، به فرد یا افرادی که حالت عادی ایجاد می کنند عادی ساز می گویند .
در آموزش های چریکی ، عادی سازی اهمیت فوق العاده ای داشته و دارد ، یک چریک یا مبارز برای این که ناشناخته بماند و کوچکترین سوء ظن و توجه دیگران را به سوی خود جلب نکند باید تمام اعمال و رفتارش در محیط عادی باشد .
لباس ساده و درویشی پوشیدن در محلی که دیگران لباس های شیک پوشیده اند ، غیبت های متوالی در محیط کار ، در یک فضای اجتماعی و گرم انزوا اختیار کردن و مانند آن ، با عادی سازی مغایرت دارد .
عادی سازی را باید یک امر متحول دانست و بسته به شرایط خاص محیط و نوع مأموریت و عملی است که باید انجام شود .

عبور دادن انقلاب :

مرحله به مرحله تبعیت کردن و انقیاد مراحل مختلف انقلاب ایدئولوژیک .

نیز <----- **انقلاب ایدئولوژیک .**

عفرینه :

لقب زنان شورای مرکزی در جریان انقلاب طلاق .

نیز <----- **انقلاب ایدئولوژیک .**

عضو :

از نظر تشکیلات عضو به معنای خودی تلقی می شود ، کسی که صلاحیت دانستن اسرار سازمان را دارد ، معنا و مفهوم عضو در سازمان هایی مثل مجاهدین و مانند آن بیش از هر چیز به مشی چریکی و سیستم سازمانی آن مربوط بود و در سال های پیش از پیروزی انقلاب به طور خود به خودی این اصطلاح بلا تعریف مانده بود .
در آن چارچوب عضو عبارت بود از فردی که مشی چریکی را قبول کرده حاضر است در رابطه با سازمان عمدتاً به طور مخفی و حرفه ای کار کند ، چنین فردی خود به خود جزء اعضای سازمان تلقی می شد .
در چنان وضعی عملاً ضابطه دیگری وجود نداشت و علت آن همه تصفیه کردن ها ، قطع ارتباط ها ، جا زدن ها و نیز بخشی به خاطر همین شیوه عمل بود ، زیرا فرد را به هر دلیل بلافاصله مخفی کرده وارد مناسبات مخفی و حرفه ای (خانه تیمی ، مبارزه به اصطلاح ایدئولوژیک و) می نمودند .
چنین فردی پس از مدتی قدرت تحمل و کشش لازم را نداشته یا به انفعال و پاسیویسم در می غلتید و یا می گریخت و یا تصفیه می شد و به هر حال در آن زمان تعریف و مرزی برای عضو وجود نداشت .
از نظر تشکیلات مجاهدین بعد از پیروزی انقلاب اعضا چنین تعریف می شدند :

عضو یا عضو ساده :

فردی است که با تشکیلات وحدت کامل ایدئولوژی ، سیاسی ، تشکیلاتی ، تاکتیکی دارد (به معنی وحدت مراجعه شود) علامت اختصاری آن O است .

عضو شور :

رده بالاتر از عضو ساده ، شور نهاد که مسئولین اجرایی در هر نهاد بودند ، علامت اختصاری آن OS است .

عضو نهاد :

زیر عضو داخل نهاد ، داخل روابط درونی ، علامت اختصاری آن N است .

عضو تیم :

به معنی تیم مراجعه شود ، علامت اختصاری آن S است .

عضو ۱ تا ۴ (بخش شهرستان):

01، 02، معاون عضو شور 03، معاون عضو ساده 04

علامت خطر:

نشانه ای که گویای خطری است.

علامت رمز قرار:

همان علامت سلامتی قرار است.

علامت سلامتی:

عبارت است از نشانه ای که از روی آن به سلامت (ضربه نخوردن) یک فرد، قرار و یا مکان (خانه تیمی و هر پایگاه دیگری) پی می بردند.

علامت سلامتی خانه:

مثلاً در خانه تیمی لباسی را روی بند پهن می کنند یا چراغی را روشن می کنند که نشانه سلامت است و نبودن لباس یا خاموش بودن چراغ به معنی ناسلامتی و نا امن بودن است.

علامت سلامتی قرار:

وقتی فردی می خواهد سر قرار برود قبل از رفتن به محل قرار در محل خاص دیگری علامتی زده (مثلاً روی دیوار با خودکار یا ماژیک یک ضربدر زده) و فرد دیگری در کنار این علامت، علامت دیگری می زند (مثلاً دور ضربدر را دایره می کشد) و بعد از این که هر دو نفر علامت هم را کنترل کردند سر قرار حاضر می شوند. ممکن است در حین اجرای قرار هم علامتی داشته باشند، مثلاً فردی دست در جیب و فرد دیگر سیگار به دهان باشد که در صورت نبودن هر کدام از این علامات افراد سر قرار نرفته یا تماس نمی گیرند.

علم مبارزه:

مجاهدین معتقدند که اسلام در رابطه با علم مبارزه نقض دارد و ما برای رفع این نقض مجبوریم از مارکسیسم سود بجوییم، در تعریف مجاهدین مارکسیسم علم مبارزه زمان ماست و رهبران این مکتب مثل لنین و مائو همان نقشی را در دوران معاصر ایفا می نمایند که پیامبران در دوره های تاریخی گذشته، داشته اند. نخستین بار این اصطلاح در جزوه و مقاله "مبارزه چیست" نوشته عبدي نیک بین یکی از بنیانگذاران سازمان که مارکسیست شد به کار رفت و بعدها در نوشته های حنیف نژاد و حسین روحانی نیز این اصطلاح دیده می شد. این واژه عمدتاً قبل و اوایل پیروزی انقلاب به کار می رفت و در حال حاضر متروک و بلااستفاده است.

علوی:

صامت، بی سیم گیرنده.

نیز -----> بصیری.

عمل:

منظور عمل نظامی است مانند ترور، بمب گذاری، و بمب اندازی.

منطقه عمل:

مکان و محلی که عمل نظامی در آن صورت می گیرد.

انجام عمل:

صورت گرفتن عمل نظامی .

انعکاس عمل :

بازتاب عمل نظامی .

شیوه عمل :

روش و طرز عمل نظامی .

عمل زدگی :

افتادن به عمل نظامی بدون توجه به بازتاب و نتیجه آن و جمع بندی تجربیات و نتایج و نیز عدم توجه به کار سیاسی و ایدئولوژی که باعث ضربه خوردن می شود .

تاریخ: ۱۳۸۲/۱۰/۱۷

عملیات الله اکبر :

اصطلاحی که رجوی به جمع بندی یک ساله به طور تلویحی از آن یاد کرده و منظور انفجار بمب در ساختمان دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی در شبانگاه هفتم تیر ۱۳۶۰ است، بمب توسط محمد رضا کلاهی نفوذی سازمان در حزب ، کار گذاشته و تعبیه شده بود که انفجار آن باعث کشته شدن بیش از ۷۲ تن از شخصیت های روحانی و سیاسی ایران گشت . مجاهدین از انفجار حزب تحت عنوان انفجار خشم خلق نیز یاد می کنند و قابل توجه است که به علت عمق و شدت جنایت هیچ گاه به طور مستقیم مسئولیت آن را به عهده نگرفته اند .

عملیات بزرگ :

سازمان مجاهدین به دنبال این تحلیل خود که ارتجاع متکی به مهره هاست چرا که نه سیستم دارد و نه پایگاه اجتماعی _ خط عملیات بزرگ را جهت ادامه ترور مقامات و مسئولان بالای جمهوری اسلامی در پیش گرفت . از دید سازمان ترور مسئولان علاوه بر این که ارتجاع را بی اتکا می نماید باعث سلب ثبات سیاسی و مشروعیت بین المللی نظامی نیز می شود و از این گذشته جو رعب و وحشتی را که رژیم آفریده و همین مانع به صحنه آمدن مردم شده است ، می شکند و در نتیجه شرایط برای قیام توده ای فراهم می گردد . بر اساس این خط ظرف تابستان ۱۳۶۰ پس از انفجار در حزب جمهوری اسلامی شاهد انفجار نخست وزیری و انفجار دادستانی انقلاب هستیم .

عملیات عاشوراگونه / عملیات با چشم انداز عاشورا :

تعبیری که رجوی برای تظاهرات ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ به کار برده و مدعی شده که چون قصد قربانی شدن و قربانی دادن داشتیم اسم این عملیات را عاشورا انتخاب کرده بودیم . به نظر می رسد چنین ادعاهایی کما این که در گذشته و حال نیز به کرات دیده شده معمولاً بعد از گذشت زمان و ملاحظه نتایج برنامه ها و طرح ها مطرح می شود . فی المثل ۳۰ خرداد را اگر ملاحظه کنیم در وهله اول به نظر می رسد که هواداران را مطمئن کرده بودند طرفداران بنی صدر به جمع آنها می پیوندند و مراکز مهمی را تصرف خواهند کرد ، لیکن وقتی این حرکت به شکست انجامید مدعی می شوند که قصدشان ایجاد یک "عاشورا" بوده است .

عملیات فروغ : -----< فروغ جاویدان .

عملیات گسترده در سراسر کشور :

پس از شکست تظاهرات ۵ مهر ۱۳۶۰ مجاهدین ، تحلیل سازمان بر این امر قرار می گیرد که هنوز جو رعب و وحشت شکسته نشده است و اختناق و دیکتاتوری حاکم به قدری گسترده است که مردم جرئت نمی کنند وارد صحنه شوند .
از این رو سازمان در این مرحله خط عملیات گسترده را برای شکستن جو یا طلسم اختناق در پیش گرفت ، سازمان بر آن بود که سران رژیم را زده و آن را بی آینده کرده است ، ولی برای تحقق مرحله قیام عمومی باید " تنه نظامی " و " بدنه سرکوبگر " آن را نیز از بین برد .
و این بدنه اساساً از " پاسداران ارتجاع " تشکیل یافته است ، چنین بود که خط ترور پاسداران به تیم های عملیاتی رسید ، رجوی پیام داد که " رفع شر پاسداران اختناق به هیچ وجه اهمیتهش از ضربه زدن به سر رژیم کمتر نیست ."
بدین ترتیب خط ترور گسترده پاسداران آغاز شد و تحت عنوان " شکستن طلسم اختناق " ، " زدن بدنه سرکوبگر " ، " قطع سرانگشتان اختناق " و بالاخره " خط پاسدار کشی " ادامه یافت ، این خط از اواسط سال ۶۱ به عملیات گسترده تری در سطح جامعه مثل ترور بقال و سبزی فروش و کشیده شد .

عملیات مهندسی (فعالیت های اطلاعاتی نهاد اطلاعات) :

عملیاتی که به دنبال کار اطلاعاتی صورت می گیرد ، به معنی شکنجه سه پاسدار و کشتن آنها زیر شکنجه .

عموجان فرومایه :

لقبی که مجاهدین به دکتر علی اصغر حاج سید جوادی داده اند ، بدین جهت که برادرزاده اش حاج سید جوادی عضو بالای سازمان است و مطالب هتاکانه ای خطاب به عمومی خود نوشته که در نشریه مجاهد نیز چاپ شده است .

عنصر :

به مفهوم پدیده و جسم بسیط .

عنصر عینی و مادی :

پدیده و جسمی که نمود ظاهری دارد ، مثل سنگ ، چوب ، سردی ، گرمی .

عنصر ذهنی ، فکری ، فرهنگی :

پدیده ای که نمود ظاهری ندارد بلکه در ذهن و فکر است ، مثل زیبایی ، زشتی ، بدی ، خوبی .

عنصر پیشتاز :

فرد یا مجموعه ای (گروهی) که در اجرای کار پیش قدم بوده و آن را رهبری می کند بیشتر در امر مبارزه و انقلاب به کار می رود ، مجاهدین خود را پیشتاز مبارزه جمهوری اسلامی و امپریالیسم دانسته و می دانند .

عنصر ایدئولوژیک :

فرد حل شده در تشکیلات .

عنصر خنثی :

فرد بی تفاوت ، در تشکیلات از عوارض مسئله دار شدن .

عیال :

در تشکیلات مردها به همسر خود می گفتند ، کم کم این واژه متروک و مطرود و ضد ارزش تلقی شد و می گفتند مربوط به دوران مرد

سالاری در تشکیلات است .

عینی / عینی بودن :

عینی و عینی بودن به مفهوم ظاهری ، دیدن و آزمایش کردن یک موضوع یا کار در عمل به طوری که نقطه مجهولی باقی نماند .
مجاهدین به تبعیت از مارکسیست ها عینی را چیزی تعریف می کردند که در خارج از شعور و آگاهی و حواس انسانی و به طور مستقل وجود دارد و وجودش بستگی به ذهن و شعور انسان ندارد .
عینی بودن را صحیح و مطابق قوانین دیالکتیک می دانستند و ذهنی بودن (سوپرکتیویسم) را نفی می کردند و ایده آلیستی می دانستند ، اینان قائل بودند که شرایط عینی بودن بدین قرار است :
الف) جمع آوری استقرایی و دقیق فاکت ها و اطلاعات حول موضوع مورد بررسی .
ب) بررسی دقیق این اجزا و اطلاعات و انطباق آنها با اصول دیالکتیک .
ج) نتیجه گیری از تحلیل و به دنبال آن ، تعیین خط مشی عملی مبتنی بر این استنتاج و سنجش این خط مشی در عمل ، از این اصطلاح برای مسئله یا موضوع واضحی که نیاز به اثبات ندارد نیز استفاده می شد .
نیز <----- ذهنی / ذهنی بودن .

تاریخ: ۱۳۸۲/۱۰/۱۸

غ

غصب ایدئولوژیک :

از اصطلاحاتی که به عملکرد سال های ۵۴ _ ۱۳۵۲ مرکزیت مارکسیست شده و به اصطلاح "اپورتونیست چپ نمای " سازمان (تقی شهرام و بهرام آرام) اطلاق می شد .

غیرت ایدئولوژیک :

انگیزش قوی در افراد نسبت به آرمان های سازمان و شخص رجوی ، به حرکت های غیر منطقی و غیر عقلانی در دفاع از تشکیلات و رهبری سازمان نیز گفته می شود .

ف

فاز / فاز سیاسی / فاز نظامی :

به مفهوم مرحله و دوره زمانی است ، مجاهدین دوره زمانی بعد از پیروزی انقلاب تا ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ را که به اصطلاح و در ظاهر مبارزه سیاسی کرده و در واقع تدارک جنگ مسلحانه با رژیم را می دیدند فاز سیاسی می گویند .

بهتر است به آن نام " فاز تخریب افکار و سرقت اموال " داد ، و دوره بعد از آن که ترور مردم و بمب گذاری و تخریب را شروع کردند فاز نظامی می نامند .

فاکت :

مثال ، نمونه ، فاکت ارائه کردن به معنای نمونه ارائه کردن .

فاکت آوردن :

نمونه آوردن ، مثال آوردن .

فانوس :

نوعی بمب دست ساز تخریبی و آتش زا ساخته شده از تی ان تی که برای جداره بیرونی بمب که نقش ضامن ضربه ای را ایفا می کرد و باعث عمل کردن چاشنی بمب می شد از شیشه فانوس استفاده شده بود .

فته ترین :

این تعبیر در مورد افرادی به کار می رفت که پس از انقلاب طلاق حاضر به جدا شدن از همسر خود نبودند .

فراخوان :

لفظ سیاسی عام است که در همه جا یک مفهوم دارد ، در فرهنگ مجاهدین نیز عنوانی است که در دعوت عمومی از هواداران و اعضای تشکیلات یا اقشار مورد نظر به کار می رود ، از قبیل فراخوان رهبری مقاومت ، فراخوان ستاد فرماندهی مجاهدین ، فراخوان شورای ملی مقاومت و فراخوان رئیس جمهور مقاومت .

فرد وابسته :

فرد وابسته فردی است که به نوعی به یک تشکیلات وابستگی دارد .

فرد ایدئولوژیک :

فردی که در تشکیلات حل شدگی دارد . نیز ----- < عنصر ایدئولوژیک .

فردیت / فردیت داشتن :

منیت داشتن ، شخصیت داشتن و برای خود ارزش قائل شدن ، عدم هماهنگی با مسئول و تشکیلات ، خود محو بودن ، مبارزه با جنسیت و فردیت (ج و ف) از مراحل پیشرفته انقلاب ایدئولوژی است و فردیت داشتن از اتهامات رایج برای به تمکین کشاندن افراد در تشکیلات است . نیز ----- < انقلاب ایدئولوژیک ، وحدت فرد با مسئولیت .

فرمالیسم / فرمالیستی :

تثبیت وضع ظاهری موجود همراه با رفع تکلیف ، کاری را سمبل کردن ، در تشکیلات ریاکاری هم معنی می دهد .

فرمانده :

کسی که فرمان می دهد ، مسئولان بالاتر در سلسله مراتب نظامی .

فرمانده صحنه :

فرمانده ای که در صحنه کارزار حضور دارد و از نزدیک فرمان داده و کارها را کنترل می کند

فرموله کردن :

به صورت تعریف شده در آوردن .

فشار آوردن / زیر فشار بودن :

مسئولیت سنگینی به کسی دادن و از عهده آن بر نیامدن ، در ادبیات جدید سازمان یعنی ابزار احساسات و گاهی احساس مسئولیت کردن ، عمدتاً در بحث ها و نشستهای انقلاب ایدئولوژی به مفهوم عصبی شدن و زیر فشار روحی قرار داشتن را می گویند .

فروغ جاویدان :

نام عملیاتی که پس از قبول قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران در سوم مرداد ماه ۱۳۶۷ توسط مجاهدین به قصد براندازی رژیم و تسخیر تهران به راه افتاد ، موفقیت محدود مجاهدین در تصرف شهر مهران این توهم را در آنها به وجود آورد که می توانند با استفاده از شرایط ویژه ناشی از هشت سال جنگ خود را به تهران برسانند !
بلافاصله اعزام افراد از خارج عراق به عراق شروع شد ، تحلیل رجوی این بود که ایران به دلیل بسته بودن تمامی راههای بازگشت به صلح با عراق ناچار به ادامه جنگ خواهد بود و هر قدر هم جنگ به طول بیانجامد از یک طرف توان نظامی و اقتصادی ایران از بین می رود و از طرف دیگر بازگشت به سمت آتش بس و صلح غیر ممکن می شود .
مجاهدین با هر آنچه عده و عده داشتند به داخل ایران از مرز غربی سرازیر شدند ، پس از تصرف کوتاه مدت شهرهای کرد و اسلام آباد در مسیری موسوم به " تنگه چارزبر " توسط مردم به محاصره افتادند و پس از شکستی هولناک مجبور به عقب نشینی شدند و نزدیک به ۱۴۰۰ کشته و نزدیک به ۲۰۰۰ زخمی بر جای گذاشتند .
اغلب رده های بالای سازمان و عناصر کیفی آن مثل علی زرکش ، مهدی کتیرایی ، محمد معصومی ، مهین رضایی ، محسن پورآگل و محسن تدینی و عناصر مهم غیر تشکیلاتی نویسنده و شاعری مثل ابوذر ورداسبی و محمد حسین حبیبی در عملیات فروغ جاویدان کشته شدند .

فرهنگ انقلابی :

تکیه کلام در بحث های سیاسی _ ایدئولوژیک مجاهدین که منظورشان ظاهراً فرهنگ اسلام بود .

فرهنگ سیاسی :

در نهاد دانش آموزی به قسمت سیاسی اطلاق می شد .

فضا را گرفتن :

در جو مورد نظر تشکیلات قرار داشتن .

فضای باز سیاسی :

شرایط ، اوضاع و احوالی که در آن می توان فعالیت سیاسی نمود ، محدود یا نامحدود .

فضای سیاسی :

شرایط و اوضاع و احوال جامعه از نظر سیاسی .

فعال / پر جنب و جوش : ----- < اکتیو .

فنی (بخش یا نهاد) :

بخش یا نهادی که کارش تأمین تدارکات حفاظتی (اسلحه ، مهمات ، بی سیم ، مدارک جعلی ، بمب های دستی ، پلاک جعلی ، جاسازی و) برای مرکزیت بود .

فوریت :

درجه فوری بودن یک موضوع یا کار .

فول بودن :

پر بودن ، از حس مسئولیت و حل شدگی در تشکیلات .

فهم ایدئولوژیک :

معادل درک ایدئولوژیک ، در این خصوص -----> درک ایدئولوژیک .

تاریخ: ۱۳۸۲/۱۰/۲۰

ق

قالب :

چارچوب ، کالبد تن و جسم ، مثلاً این صحبت قالب خوبی دارد یا ندارد .

قانونمندی :

دارای قانون ، پیرو قانون بودن ، مثلاً گفته می شود مبارزه دارای قانونمندی است ، یعنی قوانینی دارد ، مثلاً شرایط عینی و ذهنی باید آماده باشد ، تاکتیک ها مشخص باشد.....

قبر جنسیت :

از تعبیراتی که در مورد افرادی استعمال می شود که به دنبال همسر و زندگی خود هستند ، به طور خاص از تعبیر مریم قجر در خصوص افرادی که درخواست یا اصرار به زندگی زناشویی داشتند .

قرارگاه :

عنوانی برای مراکز از مجاهدین در عراق که مسئولیت ویژه ای به عهده داشتند ، تفاوت " اردوگاه " با قرارگاه در این است که اردوگاه وضعیت و موقعیتی عام دارد و مجموعه ای از نیروها را در خود دارد ولی قرارگاه مختص وظیفه و کارکردی ویژه است ، در واقع می توان گفت که اردوگاه ثابت نظامی را قرارگاه می گویند و همان پادگان معنی می دهد .

قرارگاه اشرف :

از مقرهای سازمان واقع در منطقه خالص عراق که اصلی ترین مرکز تجمع آنان است و در ۶۰ کیلومتری حاشیه بغداد قرار دارد ، در واقع مقر اصلی ارتش مجاهدین است .

قرارگاه بدیع زادگان :

از مقرهای سازمان در عراق ، از مقرهای استقرار دفتر سیاسی سازمان .

قرارگاه حبیب :

نام یکی از مراکز ویژه مجاهدین در خاک عراق واقع در حوالی بصره و ۳۰ کیلومتری مرز ایران و عراق است ، با استفاده از همین نام عملیاتی به نام عملیات بزرگ حبیب صورت گرفته است .

قرارگاه حنیف :

از مقرهای سازمان در جنوب منطقه کردستان در حوالی شهر کفری عراق .

قرارگاه سردار :

از مقرهای سازمان در عراق .

قرارگاه سعید محسن :

از مقرهای سازمان در عراق .

قفل شدن :

عدم کارایی فرد یا عدم همراهی و گیر کردن فرد به همراه عدم اعتراض .

قدرت سازماندهی / قدرت حل مسئله / قدرت ترمیم :

همه از پارامترهای احاله مسئولیت به افراد (در تشکیلات زیاد به کار می رود) .

قدرت سازماندهی به معنای توان سازماندهی ، توان سازمان دادن به یک کار یا تشکیلات یا قسمت است . <-----> **سازماندهی** .
قدرت حل مسئله نیز به معنی توانایی حل یک مسئله و مشکل است و قدرت ترمیم به معنی توانایی مرمت کردن و توانایی اصلاح خرابی ها می باشد .

قدیر (بمب) :

یکی از افراد تشکیلات مجاهدین است که بمبی دستی به نام ترنج ساخته است که بعد از کشته شدن وی نام خودش (قدیر) را روی این بمب گذاشتند .

قرار :

ملاقات دو یا چند نفر (معمولاً دو نفر) را در یک زمان و مکان معین قرار می گویند ، قرار در تشکیلات به خاطر انجام کارهای مختلف صورت می گیرد ، وصل یک نفر به فرد یا قسمت ، رد و بدل کردن مدارک ، اسلحه و مهمات ، دادن خبر سلامتی و هر کار دیگری از این قبیل .

قرار ثابت :

هر فرد برای انجام کارهای خود (رسیدگی به وضع تحت مسئولین ، رفع و رجوع کارهایی که به قسمت های دیگر مربوط می شود ، در طول روز یا هفته یک سری قرار به طور مستمر اجرا می کند ساعت و محل قرار و علامت سلامتی قبلاً بین طرفین مشخص می شود) ، به این نوع قرار قرار ثابت گفته می شود .

قرار اصلی ، قرار زاپاس :

هر قرار یک قرار اصلی دارد و یک قرار زاپاس ، در صورتی که قرار اصلی به هر علتی مثلاً دیر رسیدن یکی از طرفین ، اجرا نشود از قرار زاپاس استفاده می شود .

قرار ماهانه / قرار هفتگی :

قرارهایی که در هر ماه یا در هر هفته یک بار اجرا می شدند .

قرار قطع یا گمشده :

قراری که فرد در صورت قطع ارتباط تکشیلاتی یا اجرای آن قرار دوباره به تشکیلات وصل می شود .

قرار پاتوقی / قرار متحرک :

قرار در یک مکان ثابت (خانه تیمی یا پاتوق) را قرار پاتوقی می گفتند ، قرار در حال حرکت (قدم زدن) را قرار متحرک می گفتند .

اجرای قرار :

انجام دادن قرار و ملاقات تشکیلاتی ، حاضر شدن در محل قرار .

قرار هماهنگی :

چند نفر یا چند واحد عملیاتی که می خواهند به عملیات مشترکی بروند طی قرار یا قرارهایی خود را با هم (کارها را) هماهنگ می کنند.

قرصی :

منظور کپسول شیشه ای حاوی سیانور است که فرد زیر زبان می گذاشت تا موقع دستگیری آن را جویده و خود کشی کند .

قسمت : <----- نهاد .

قشر :

از نخستین سال تکوین سازمان کلمه قشر مطرح بوده و در تقسیم بندی نیروهای اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است و از همان زمان جامعه و نیروهای سازمان از نظر آمادگی و آگاهی های سیاسی _ مبارزاتی به سه قشر تقسیم شد :
قشر ۱ یا قشر بیشتاز ، که در مراحل اول مبارزه پایگاه فعال نیروها و سازمان های پیشرو بود و پس از انقلاب به کلیه هواداران تشکیلاتی ، اعضا ، کادرها و مرکزیت سازمان گفته می شد .
قشر ۲ ، در ابتدا توده های شهری (خرده بورژوازی) قشر ۲ بود که در مراحل اول مبارزه به عنوان نیروی عمده مبارزه مد نظر بود و پس از انقلاب به هواداران غیر تشکیلاتی گفته می شد که وظایف محوله را انجام می دادند ولی حساب رسی نمی شدند .
قشر ۳ ، در ابتدا به توده های متعصب مذهبی مردم اطلاق می گشت که مخالف رژیم بودند ، ولی از نظر ایدئولوژیکی در سازمان حل نشده بودند و پس از انقلاب شامل هواداران غیر تشکیلاتی سازمان بودند که تمایل تشکیلاتی نداشتند ، ولی هواداران عاطفی و مالی بودند و در میتینگ ها نیز حضور داشتند ولی فاقد شرایط جذب بودند .

قطب : <----- اقطاب .

قطع / قطع ارتباط :

قطع ، قطع شدن و قطع ارتباط به معنی از بین رفتن رابطه تشکیلاتی است ، قطع ممکن است بین دو نفر یا دو قسمت (یا نهاد و بخش) اتفاق بیفتد .

قرار قطع :

قراری که هر فرد یا قسمت ، نهاد ، بخش دارد تا در صورت قطع ارتباط دوباره بتواند به تشکیلات وصل شود .

مدت قطع :

مدت زمانی که قطع بودن ارتباط فرد با تشکیلات ادامه یافته یا می یابد .

قطع سرانگستان اختناق :

ترور طرفداران رژیم . <----- عملیات گسترده ، زدن سرانگستان رژیم .

قطعه مروارید :

قطعه کشته شدگان سازمان در عملیات کردکشی موسوم به مروارید در قرارگاه اشرف .

قفل / قفل کردن :

قادر به انجام فعالیت نبودن .

قله رفیع ایدئولوژیک :

انتخاب مریم قجر عضدانلو به مسئول اول و انتخاب فهیمه اروانی به جانشینی مریم با چنین عنوانی توصیف شده است .

قلوس :

معلوم نیست قلوس یا قلوس از نظر لغوی چه معنایی دارند ، مجاهدین به فردی قلوس می گویند که نسبت به مشی و مواضع و به خصوص مسئله رهبری تردید و انتقاد داشته باشد و در برابر دستورات سازمان دلیل و توجیه طلب کند . این فرد دیگر با تشکیلات چفت نیست و موی دماغ به شمار می رود ، چنین شخصی را در یک پروسه تنبیهی طولانی قرار می دهند و پس از اتمام این دوره در صورتی که گزارش مفصلی علیه خودش بنویسد می تواند بازگشت کند و در غیر این صورت بریده تلقی می شود . در لفظ اعراب شق القلوس به انگشت ششم دست (مزاحم ، غیر ضرور ، اضافی) گفته می شود و بر این مبنا به افرادی که کاملاً تابع تشکیلات نبوده و در هر مرحله اظهار نارضایتی و عدم تمکین می کنند قلوس گفته می شود .

قهر انقلابی :

از تعبیری است که در فرهنگ مجاهدین کاربرد وسیعی دارد و به مفهوم اعمال قدرت نظامی و تروریستی و خشونت از سوی سازمان است که برای تبدیل ضد ارزش به ارزش از پسوند انقلابی استفاده می کنند .

قهرمانانه :

صفتی است که به وفور هم به اقدامات تیم های تروریستی نسبت داده می شود و هم به حرکت های به اصطلاح مردمی ، که برای حماسه گون کردن و الگو سازی به دیگران به کار می رود .

قیصر :

کار خیط ، عمل منفی که در جمع صورت می گیرد ، سادگی کردن .

تاریخ: ۱۳۸۲/۱۰/۲۲

ک

کات اوت :

درباره جریان یا فردی که از مجموعه روابط تشکیلات به بیرون افکنده و طرد می گردد ، تعبیر به کات اوت آورده می شود ، فی المثل یک فرد بریده یا واداده تصحیح و حل نشده در صورت حذف و تصفیه از روابط به بیرون انداخته می شود ، مرحله پیش از کات اوت را ایزوله می گویند که تا سال ۱۳۶۰ مترادف استعمال می شده اند . **فیژ ----- ایزوله و ایزولاسیون .**

کار جمعی :

به طور کلی به انجام فعالیت های صنفی به صورت جمعی اطلاق می شود که یکی از موارد آن کار در آشپزخانه است .

کادر :

کادر به افراد مسئول نهادها اطلاق می‌گردد ، همین‌طور به افرادی که بتوانند خطوط را پیاده کنند و نیرو تربیت نمایند ، در واقع به اعضای کادر گفته می‌شود که بالاترین صلاحیت‌ها را در هر امری به لحاظ ایدئولوژیک ، سیاسی و اجرایی داشته باشند .

کادر همه جانبه :

فردی که بتواند در همه زمینه‌ها (ایدئولوژی ، سیاسی ، تشکیلاتی) تعیین خطوط کرده و نیرو را برای آنها تربیت نماید و یا کاری را صورت دهد .

کار :

عمل کردن ، عمل ، ذیلاً نحوه کاربرد این اصطلاح در میان مجاهدین در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی توضیح داده می‌شود :

کار توضیحی :

توضیح دادن یک مسئله ایدئولوژی ، سیاسی یا تشکیلاتی ، توضیح دادن یک طرح نظامی و از این قبیل .

کار سیاسی :

کار در مورد مسائل سیاسی ، تحلیل مسائل سیاسی و توضیح برای افراد تشکیلات ، همین‌طور وقتی تشکیلات با مسائل سیاسی برخورد کرده و موضع‌گیری می‌کند می‌گویند کار سیاسی کرده و می‌کند .

کار تشکیلاتی :

آموزش تشکیلاتی ، تربیت تشکیلاتی به‌طور عملی ، یعنی با افراد طوری برخورد کردن که آنها هم تشکیلاتی و بر اساس معیارها و ضوابط تشکیلاتی برخورد کنند .

کار ایدئولوژی :

تدوین بحث‌های ایدئولوژی ، آموزش ایدئولوژی به افراد .

کار نظامی :

آموزش نظامی (تئوری ، عملی) مانور ، تدوین جزوه‌های آموزش نظامی و انجام عملیات.

کار تئوریک :

تدوین تئوری (فرضیه) گاهی به مفهوم کار سیاسی و ایدئولوژیک .

کار کمی و اجرایی :

کاری که احتیاج به فکر کردن ندارد ، مثل کارهای چاپی ، پخش اعلامیه و

کار کیفی :

کاری که احتیاج به فکر دارد مانند کار توضیحی ، جواب به سؤالات افراد .

کارایی :

مفید بودن ، راندمان داشتن ، قدرت انجام کاری را داشتن ، از عهده برآمدن ، کارایی تشکیلاتی یعنی همین مفاهیم در ارتباط با کار تشکیلاتی و رعایت موازین و ضوابط تشکیلاتی ، لفظ عام است و تنها به مجاهدین اختصاص ندارد .

کارزار سیاسی :

کارزار به مفهوم درگیری است و در قاموس مجاهدین کارزار سیاسی مترادف با چالش و نزاع سیاسی _ دیپلماتیک است ، گاه نیز با واژه رویارویی معنی مشترکی می یابد ، مثل کارزار سیاسی نیویورک ، که در سفر مسوولین ایران مطرح گردید .
لفظ کارزار بیشتر از جنبه تبلیغاتی و برای حماسه گون کردن کارها نزد هواداران و دیگران به کار می رود .

کار کارگری :

فرستادن افراد تصفیه شده به کارگری در کارخانجات یا واحدهای دیگر ، کار کارگری از دیرباز در تشکیلات مجاهدین و همین طور چریک های فدایی وجود داشته است ، که بعداً به تدریج مفهوم خود را از دست می دهد .
این شیوه متأثر از فرهنگی بود که در جریان انقلاب فرهنگی چین بدان عمل شده بود ، در چین افراد و کادرهای بالایی مثل " لیوشائوچی " و " تنگ شیائوپنگ " و همچنین دیگر اعضای حزب را که به دلیل داشتن یک سری نظرات انحرافی تصفیه شده بودند به کارگری (کارهای نسبتاً سخت) فرستاده بودند .
از قضا نتیجه منفی چنین فرهنگی در چین بروز کرد : " تنگ شیائوپنگ " پس از مرگ مائو رهبری یعنی سیاست و اقتصاد چین را قبضه نمود و گرایش به غرب را در چین جا انداخت وی همچنین از دار و دسته چهار نفری (همسر مائو و سه تن از رهبران طراز اول حزب در دوران مائو) انتقام سختی گرفت و ایشان را تا مرز نابودی تصفیه و تخطئه کرد .
این فرهنگ چنانچه گفته شد در مجاهدین پیش از انقلاب رواج داشت که افراد را برای به اصطلاح تربیت و اصلاح به کار کارگری و اغلب به کارهای شاقی مانند کارگری در شیشه گر خانه ها ، کوره پز خانه ها و معادن در تابستان می فرستادند .

کار مخفی / کار علنی / کار مخفی _ علنی :

مخفی کاری یکی از اصول اساسی تشکل های مارکسیستی و سازمان های مشابه است ، مجاهدین نیز به این اصل عمل می کردند ، از آنجا که تشکیلاتی از این دست که گفته شد تا زمانی که قدرت سیاسی را کسب نکرده است مورد ضربات حکومت قرار می گیرد ، اساس فعالیت مخفی است ولی به منظور جذب نیرو ، تلقین کار علنی و مخفی مطرح می شود .
طبق طرحی که لنین در کتاب چه باید کرد ارائه داده و از آن پس محور تشکیلاتی تمام سازمان ها و احزاب کمونیستی و شبه کمونیستی قرار گرفته است ، یک تشکیلات از چند قسمت یا لایه تشکیل می شود .
یک لایه انقلابیون حرفه ای است که شامل کادرها و اعضای تمام وقت سازمان است و همواره مخفی هستند و ناگزیر باید تحت شدیدترین ضوابط و مقررات امنیتی کار کنند ، قسمت دیگر شامل سازمان کارگران است که البته مخفی کاری دارد ولی نه به شدت قسمت اول .
چرا که عملاً در روابط توده ای و کارگری فعالیت دارند و به هر حال درجه معینی از مخفی کاری را لازم دارد ، قسمت اول از کمیته مرکزی شروع می شود و به حوزه (واحدهای پایه سازمان های حزبی) ختم می گردد و در این میان کمتته های محلی جای دارند .
به جز قسمت اول (انقلابیون حرفه ای) بقیه اجزای این ساختار ناگزیر از ارتباط با جامعه اند ، این ضرورت باعث می شود کار علنی _ مخفی تلفیق گردد تا از علنی شدن بخش مخفی (انقلابیون حرفه ای) جلوگیری شود .
در شرایطی که جامعه از لحاظ سیاسی باز و فعالیت احزاب و گروه ها کمتر محدود است طبعاً تغییراتی جزئی و تاکتیکی و نه اساسی و استراتژیک در شیوه ها به وجود می آید ، استفاده از اشکال علنی تر و وسیع تر مثل میتینگ و تظاهرات و اجرای نمایشگاه های خاص و در این مرحله توجیه دارد .

کاسبکارانه :

برخورد از موضعی که فرد منافع شخصی خود را در نظر می گیرد و نه منافع و مصالح تشکیلات و به اصطلاح انقلاب را .

کاغذ پوستی :

کاغذهای نازکی که برای گزارش نویسی و سایر مدارک دست نویس استفاده می شد .

کارگاه :

در نهاد دانش آموزی به چاپخانه های مخفی متعلق به تشکیلات اطلاق می شد و در نهاد کارگری به مجموعه کارگرهای شهری (جوشکار ، بنا و) که هوادار بودند اطلاق می شد .

کارگری / کارگری دادن / نوبت کارگری / سر کارگر :

امور صنفی (غذا و خوراک دادن به افراد) در ساختمان های مرکز تجمع مجاهدین به وسیله دسته های مشخص و به نوبت صورت می گرفت ، انجام این کار اصطلاحاً کارگری و کارگری دادن نامیده می شد ، هر دسته یک مسئول داشت که کارها را بین افراد تقسیم کرده و کنترل می نمود ، وی را سرکارگر می گفتند .

کامپیوتریست ها :

این اصطلاح توسط مجاهدین و پیکاری ها به جمعی از یک محفل کمونیستی خارج از کشور که در جریان انقلاب اسلامی به ایران بازگشتند ، اطلاق می شد که در سال ۶۰ مجدداً از کشور خارج شدند . اینان معتقد بودند که در عصر کامپیوتر مسائل انقلاب و مسائل سیاسی را بایستی از طریق مراجعه به کامپیوتر حل و فصل نمود و به همین خاطر باید به دنبال فراگیری کامپیوتر و سر در آوردن از این صنعت رفت ، گویا برخی از این افراد خودشان دانشجوی کامپیوتر بوده اند .

کانال :

مسیر عبور ، راه عبور .

کانالیزه :

قرار گرفتن در مسیر عبور .

کانال زدن :

ایجاد مسیر دیگر غیر از مسیر اصلی ، برقرار کردن رابطه از طریق واسطه را نیز می گویند.

از کانال خود :

از مسیر اصلی .

کانالیزه کردن :

قرار دادن در مسیر عبور .

کانال ضربه :

مسیری که از آن ضربه وارد می شود ، این اصطلاحات در تشکیلات این طور به کار می رفت ، مثلاً اگر اشکالی در کار فردی می دید مستقیماً برخورد نمی کرد ، بلکه باید به مسئول مستقیم خود گزارش می داد . این گونه برخورد را برخورد از کانال خود می گفتند ، مسئول هم همین طور به مسئول خود و تا جایی که بایستی با آن برخورد می شد ، یعنی کانالیزه می شد .

کانون :

در اتحادیه دانش آموزان شوراهای بالای مناطق بوده که هر یک مسئولیت خاص خود را داشتند و مسئول کانون نهاد بود ، مثل کانون تشکیلات ، کانون سیاسی ، کانون خدمات و

کتابخانه : <----- جاسازی .

کروکی :

لفظی عام است که در مجاهدین نیز شیوع فراوان دارد ، به معنی نمودار و شکلی که اجزای مختلف یک مجموعه و نحوه ارتباط آنها را با

هم نشان می دهد ، مثل کروکی تشکیلاتی ، کروکی یک ساختمان یا محل ، کروکی نحوه اجرای یک کار خاص و نتیجه آن، کروکی عملیات ترور.

کسر رهایی :

از واژه های خرده فرهنگ انقلاب ایدئولوژی و اصطلاحات خاص رجوی ، که این طور فرموله می شود رهبری ، عدم حمل تناقض = کسر رهایی .

کشش :

کشیدن ، نکشیدن = تحمل ، ظرفیت ، نمی کشد = بریده .

کفری :

محل انجام مانورهای مجاهدین در شمال شرقی بغداد ، حوالی یکی از شهرهای کردستان جنوبی عراق با همین نام .

کلید :

در تشکیلات گزارشات درونی را به صورت رمز می نوشتند و اصل رمز را در کاغذی جداگانه می فرستادند که به آن " کاغذ اصل رمز " اصطلاح کلید آن گزارش می گفتند .

کمک مالی :

پول نقد هواداران و سمپات ها (تشکیلاتی و غیر تشکیلاتی) که در اختیار تشکیلات می گذاشتند . (به صورت بلا عوض)

کمون :

کمون به معنی جمعی متشکل است ، که در اصطلاح تشکیلات بیشتر به عنوان تشکل صنفی و اقتصادی به کار برده می شد ، مثلاً کمون شور بخش ، صندوق مالی شور بخش را می گفتند .
زندگی جمعی در زندان را زندگی کمونی (قبل و بعد از انقلاب) می گفتند ، به طوری که همه لوازم و وسایل متعلق به جمع بود و افراد به خودی خود مالک چیزی نبودند و همه چیزها به جمع تعلق داشت .
بر مبنای تفکر اصالت جمع و ذوب شدن و حل شدگی فرد در جمع این کار صورت می گرفت و نوعی تمرین عملی اجرای ایدئولوژی در صحنه عمل بود .

کمون یار :

کسی که در یک یا چند روز مسئول دخل و خرج و می گردید را کمون یار می گفتند .

کمون دار :

کسی که مسئول کمون بود .

کمی / کیفی :

کمی منظور خصوصیت و ویژگی ای است که در فردی که کارش کمتر احتیاج به فکر دارد مثل چاپ اعلامیه یا فروش نشریه .
کیفی منظور خصوصیت و ویژگی ای است در فردی که کارش احتیاج به فکر دارد مانند رسیدگی تشکیلاتی به افراد و تربیت آنها .

کمین :

کمین کردن ، منتظر شدن ، مخفی ماندن در حالتی و منتظر شکار ماندن ، طرح های ترور (طرح های سنگین و پر حجم) به این شکل صورت می گرفت که چند تیم تروریستی در یک محل (مسیر عبور سوژه ترور) ایستاده (کمین کرده) و وقتی سوژه می رسید به سوی وی حمله می کردند .

کنده شده :

کنده شدن به مفهوم جدا شدن به نحوی که هیچ سختی با نقطه عزیمت خود نداشته و بالکل از گذشته خود منقطع شده است ، در اوایل فاز نظامی در مورد بنی صدر به کار می رفت .

کنسل :

رد شده ، مردود و مردود شدن ، منتفی شده یا رد شدن ، فلان مسئله کنسل شده یعنی منتفی شده و مردود شده است .

کوپل :

کوپل یا به غلط کوپل واژه ای فرنگی و به مفهوم جفت یا زوج انسانی می باشد ، زن و مردی که با هم ازدواج کرده یا نامزد هستند و یا دوست دختر و دوست پسر که با هم تردد یا زندگی می کنند ، و نیز به همراهی مداوم و مستمر دو نفر کوپل گفته می شود .

کوفی :

تعبیری که به افراد جدا شده از سازمان اطلاق می شود ، با بهره گیری از واقعه تاریخی مربوط به بی وفایی اهالی کوفه که امام حسین (ع) را تنها گذاشته به کنار رفتند ، بدین ترتیب مجاهدین سعی دارند برای افراد خود جایگزین سازی تاریخی امام حسین (ع) و اهالی کوفه را در شرایط فعلی به سر کرده گروه و افراد جدا شده منطبق نمایند .

کوره :

منظور همان کوره انقلاب ایدئولوژی است ، اصطلاحی است که مجاهدین به خصوص در بیان سوابق و زندگی نامه های اعضای خود از آن استفاده می کنند ، بدین معنی که عرصه و میدان مبارزه در گذشته و حال را به کوره ای تشبیه کرده اند که نیروهای سازمان در آن آبدیده و گداخته شده اند .

کوره گدازان انقلاب :

از تعبیراتی که در خصوص فرایند کارنامه انقلاب ایدئولوژیک سازمان به کار می رود ، گفته شده انقلاب ایدئولوژیک همانند کوره گدازانی است که وقتی افراد به درون آن می رویند از همه ناخالصی ها پاک شده و خالص خالص می شوند !

کوگ بودن :

توجیه بودن .

کوه موش زایید :

از ضرب المثل های خاص سازمان رجوی ، زمانی که فدایی های اکثریت در محکومیت سازمان اطلاعیه صادر کردند این تعبیر از سوی مجاهدین به کار برده شد که کوه موش زایید ! یعنی یک گروه اظهار وجود کرد و ثمره کوچکی بیرون داد ، یا به عبارتی هیاهویی بسیار بر سر هیچ !

کیسه انقلاب / کیسه رهبری :

مترادف سفره انقلاب و نیز به معنی سهم رهبری است ، در این مورد ----- < سفره انقلاب

گارد باز :

فردی که برخورد لیبرالی داشته باشد و رعایت ضوابط امنیتی را در برخورد با دیگران نکند و موجب لو رفتن موارد شود .

گاف دادن :

اشتباه کردن .

گاف سیاسی :

وقتی فرد یا جریانی در عملکرد سیاسی و در صحنه سیاسی جامعه از خود نقطه ضعفی نشان می دهد و طرف مقابل به اصطلاح و به قول معروف بل می گیرد و از آن به نفع خود استفاده می کند که گفته می شود که گاف سیاسی داده است و کلاً گاف به نقطه ضعف یک فرد یا جریان می گویند .
این مرحله گذرا است یعنی این مرحله موقتی است .

گتو :

گتو یا محفلی که در کشورهای مختلف تشکیل می شود ، مانند گتوی یهودی ها در آلمان ، گتوی چینی ها در نیویورک و گتوی مجاهدین در اروپا ، این گتوها گاه به گاه تشکیل می شود و از آنجا که شرکت کنندگان در این گتوها با خویشاوندان خود (خواهر ، برادر و سایر بستگان) ارتباط چهره به چهره ندارند گتوها بستر مناسب و جذابی است که شرکت کنندگان آن از اخبار و مسائل مورد علاقه خود آگاهی یابند .
فونکسیون عمده گتوها ارضای عاطفی و اطلاعاتی است ، یکی از گتوهای بسته بزرگ در اروپا و آمریکا گتوی سازمان مجاهدین خلق است ، گتوها پیش از آن که یک تشکیلات سیاسی باشند ، تشکیلات محفلی به شمار می آیند که افراد می توانند دوستانشان را در آنجا ملاقات کنند .

گرایش :

گراییدن به مفهوم آهنگ کردن ، قصد و آهنگ است ، اصطلاحاً وقتی فرد یا جریانی نسبت به مواضع یک فرد یا جریان سیاسی تمایل و رغبت نشان دهد (در حرف یا عمل) گفته می شود که گرایش دارد .

گرایش تشکیلاتی :

تمایل و رغبت به کار تشکیلاتی و تشکیلات .

گردان :

مجموع ۲ یا ۳ گروهان را گردان می نامند ، که در رأس آن یک سرگردان و ۲ معاون آن بوده اند ، تقسیم بندی های نظامی سازمان تقسیم بندی خاص خودشان بوده و صرفاً برای بزرگ نمایی از تقسیم بندی های ارتش های کلاسیک استفاده می کنند .
مثلاً در حال حاضر هر ارتش سازمان استعداد ۲۵۰ تا ۳۰۰ نفر را دارد که مجموعاً ۷ ارتش را دارا می باشد .

گرفتن :

درک کردن ، گرفتی ؟ درک کردی یا فهمیدی ؟ گیرایی اش خوب است = خوب مسائل را می فهمد و درک می کند .

گروه :

مجموعه چند نفر که با هم وحدت سیاسی _ تشکیلاتی داشته باشند . نیز -----> **وحدت** .

گروهان :

مجموع ۲ یا ۳ اکیپ را گروهان می نامند ، در رأس گروهان یک سرگروهان و ۲ معاون امنیتی و تدارکاتی او قرار دارند که البته تعداد نفرات این گروهان ها به حدود ۱۲ نفر می رسیده است .

گزارش :

تکلیف اجباری افراد به نوشتن برنامه و کار روزانه خود و دیگران ، همه افراد باید گزارش بنویسند و از همه کارها باید گزارش شود حتی از کارهای روزانه و حتی در مورد هر آنچه که فکر کرده اند .

گزارش / گزارش دادن :

به شرح و تفصیل خبر یا کاری که انجام گرفته است گزارش می گویند ، در تشکیلات نوشتن گزارشات از پایین ترین رده تشکیلاتی تا بالا موسوم بود ، گزارش انواع مختلف دارد :

گزارش اجرایی :

گزارشی که در مورد اجرای یک کار (کارها) صورت می گیرد و صرفاً بیان نحوه صورت گرفتن کار ، اشکالات به وجود نتیجه کار است .

گزارش هفتگی :

گزارشی که هفته ای یک بار داده می شود ، در هر زمینه ای می تواند باشد فقط این که کلیات را بیان می کند .

گزارش تشکیلاتی :

گزارشی است که از وضعیت افراد یک قسمت (نحوه کار کردنشان ، نقاط ضعف و قوتشان ، میزان کارایی و رشد تشکیلاتی شان ، حل شدگی و) به وسیله مسئول آنان به بالاتر داده می شود .

گزارش تحلیل از خود :

فرد از وضعیت خود گزارشی می نویسد ، در رابطه با مسائل تشکیلاتی خود مثل نقاط قوت ، مسائل و مشکلات تئوریک و عملی و خانوادگی ، نظر نسبت به مسئول ، نظر نسبت به کار و مسئولیت و که معمولاً به مسئول بالاتر از مسئول مستقیم (فوق مسئول) داده می شود .

گزارش قطع :

وقتی فردی از قسمت مربوط خود قطع می شود برای وصل مجدد گزارشی از وضع خود و افراد تحت مسئولیتش و نیز نحوه قطع شدن می دهد تا مجدداً بررسی شده و وصل شود.

گزارش نظامی :

گزارشی است در مورد وضعیت نظامی فرد و افراد یک قسمت .

گزارش عملیات / گزارش عملیاتی :

گزارشی است که در مورد انجام یک عملیات (ترور ، بمب گذاری و) به وسیله افرادی که در عملیات شرکت داشته اند داده می شود ، شامل نوع عمل ، نام افراد شرکت کننده ، تاریخ چگونگی انجام عمل ، تدارکات ، نتیجه عمل ، تلفات و خسارات خودی .

گزارش امنیتی :

گزارشی که در مورد وضع امنیتی افراد ، مراکز یا هر قسمتی داده می شود ، رعایت مسائل امنیتی به وسیله فرد ، خطاهای امنیتی ، وضع

مدارک و جاسازی ، موارد مشکوک و

گزارشی کار :

گزارشی در مورد کارهای واگذار شده .

گزارشی سر بسته :

گزارشی که فرد نوشته و به فوق مسئول داده می شود ، از کانال مسئول بدون این که خود وی آن را بخواند .

گزندگی :

حرفی که موجب ناراحتی ایدئولوژیک شود .

گشت (موتوری ، ماشینی) :

گردش ، گردیدن ، این عمل به دو خاطر صورت می گرفته ، یکی گشت حول و حوش یک خانه تیمی یا مرکز تجمع و بررسی موارد مشکوک برای این که اگر خطری تهدید می کرد تخلیه صورت گیرد . مسئله دیگر گشت واحدهای عملیاتی (ترور) در شهر برای ترور واحدهای انتظامی یا مردم ، در این گونه گشت ها یا از موتور استفاده می شده (گشت موتوری) و یا از ماشین (گشت ماشینی) .

گمشده :

به فردی که ارتباطش با تشکیلات قطع می شده گمشده می گفته اند .

گنجینه عظیم مردم ایران :

منظور سازمان مجاهدین خلق است .

گوشه دم توپ :

این اصطلاح در سال ۱۳۵۶ توسط عناصر سازمان که در سال ۵۷ گروه پیکار را تشکیل دادند در مورد زنانی به کار برده شد که توسط باند مرکزیت تقی شهرام و بهرام آرام مورد سوء استفاده یا قربانی امنیت تشکیلات بودند .

این روحیه و فرهنگ عملی عبارت بود از برخورد از بالا با زنان سازمان و کم بها دادن به آنها و هنگامی هم که بها داده می شد در جهت تأمین یک هدف یا منفعت شخصی بود ، در مقطع ضربات سال های ۵۵ _ ۵۴ سه نفر از زنان گروه مجاهدین برای تخلیه خانه لو رفته یا کنترل قرارها فرستاده و هر سه کشته شدند ، این حرکت ناشی از همان فرهنگی بود که درباره زنان به عنوان نیرویی کم ارزش تر در تشکیلات وجود داشت .

این فرهنگ از آنجا نشئت می گرفت که مسئله پوشش و محل مطرح شد و اجمال آن به شرح زیر است :

زنان و دختران به دلیل حجابی که داشتند یا بالقوه می توانستند داشته باشند در حمل و نقل مدارک و نشریات و کمک های شایانی می کردند ، از این گذشته زن اصولاً به دلیل فرهنگ مسلط جامعه و نیز موقعیت اجتماعی ضعیف شده ، وضعیتی داشت که مأموران رژیم با همه قساوت هایی که داشتند نمی توانستند با آنها مانند مردان برخورد نمایند .

و نیز درصد شرکت زنان به طور کلی در فعالیت های سیاسی و تشکیلاتی از مردان محدودتر بود ، از این رو از زنان برای ارتباطات و برخی حمل و نقل های سبک بدون دردسر استفاه می شد .

این امر به تدریج زنان را از لحاظ تشکیلاتی در این تقسیم کار قرار داده بود و در فرهنگ مشی چریکی نیز که عضویت ، مساوی با سلاح بستن و چریک بودن شمرده می شد کارها و وظایف زنان پست تر می گشت و موضع پایین تری برای آنان در نظر گرفته می شد . بر این اساس هر گاه قرار مشکوک و خطرناکی پیش می آمد و یا قرار بود علامت مشکوکی کنترل شود و نیز برای تخلیه های ناشیانه و خطرناک خانه های تیمی احتمالاً لو رفته زنان را روانه میدان می کردند .

موضوع دیگر استفاده از زنان به عنوان محل در خانه های تیمی بود که برای عادی کردن وضع تیم از آنها استفاده می شد ، در کنار این قبیل استفاده ها که عملاً زنان را از شرکت فعال در کارهای تشکیلاتی و سیاسی باز می داشت و صرفاً به افرادی باربر و پوشش تبدیل می

شدند ، اذهان منحرف عناصر رهبری سوء استفاده های جنسی را هم اضافه نمود . **فیز** <----- **ازدواج تشکیلاتی** .

گیر و پیچ ذهنی _ تشکیلاتی :

منظور مسئله دار بودن (به معنی مراجعه شود) است که مانع انجام کار فرد و پذیرش مواضع سیاسی ، ایدئولوژیک و تشکیلاتی شده ، جلو رشد فرد را می گیرد ، فردی که از نظر فکری در خصوص رفتار و آموزه های تشکیلاتی و سازمانی تشکیک کرده و آن را به راحتی نمی پذیرد گیر و پیچ ذهنی دارد .
وقتی این گونه مسائل به وسیله مسئول یا مسئول بالاتر حل می شود می گویند : گیر و پیچ رفع شده است .

تاریخ: ۱۳۸۲/۱۰/۲۴

ل

لمین :

لات و لابلای و در اصل نیروهای وازده جامعه سرمایه داری هستند که نقش انگلی را در سیستم اقتصادی ایفا می کنند .

لمین پروتاریا :

کارگری که خصلت ها و صفات لمپنی (منظور لات و ابالی است) را داراست ، برخی از اصناف کارگاهها و مؤسسات به دلیل شرایط حرفه ای ویژگی اخلاقی و فرهنگی لمپن و لمپنیسم را با خود دارد.

" لم یر تابوا " شدن :

از تردید و دودلی تشکیلاتی بیرون آمدن ، " دیدی با توضیحات من گیر و پیچ تو رفع شد و لم یر تابوا شدی ؟ ! "

لیبرال / لیبرالیسم :

آزادی خواه ، مکتب آزادی خواهی ، این دو اصطلاح در تشکیلات بار منفی دارد و ولنگاری و بی مسئولیتی و نداشتن مرز بندی را افاده می کند .

م

مادر چون :

لقب ویژه ی مادر مریم فجر عضدانلو .

مادر عقیدتی _ تشکیلاتی مریم :

از القاب اشرف ربیعی همسر اول مسعود رجوی .

ماده شدن :

ملموس و عینی شدن .

مارک / مارک زدن :

مارک به مفهوم مارک زدن و متهم نمودن ، تهمت زدن و انگ زدن .

ماستخور گیری :

این تعبیر در سال های پیش از پیروزی انقلاب مصطلح بین لومپن ها بوده که از طریق فیلم های آن دوره اشاعه پیدا کرده بود ، بین مجاهدین نیز در سال های ۵۵ _ ۵۴ به شدت مورد استعمال بوده و بر اثر مرور زمان خود به خود از بین رفته است .
ماستخور گیری در واقع یک اقدام مقدماتی برای رو کم کنی بوده است ، اگر ماستخور کسی گرفته می شد روی او دیگر کم شده بود ، منظور این است که فی المثل فردی احیاناً مطلبی بر خلاف واقع یا دروغ بگوید و یا بخواهد مسئله ای را توجیه نماید و به هر حال قصد برخورد غیر صادقانه ای داشته باشد ، هر گاه مورد یا اشتباه فرد گرفته شده به او عرضه و بقیه اش به اصطلاح گرفته شود ، ماستخور او گرفته شده است . **نیز -----> رو کم کنی و تنگه خرد کنی**

ماست مالی / ماست مالیزاسیون :

منظور سمبل کاری است ، **نیز -----> سمبل**

ماشین :

در نهاد کارگری مجاهدین به مجموعه نیروهای هوادار اطلاق می شد که در کارخانه تولید ماشین ایران خودرو و دیگر کارخانه های تولید ماشین کار می کردند .

ماکرو :

در مقابل اصطلاح میکرو قرار دارد و توسط رجوی استعمال شده و می شود و به معنی کار در ابعاد بزرگ است . **نیز -----> میکرو .**

مالی :

مربوط به پول نقد و اجناس قیمتی ، قسمت مالی .

ماهیت / نمود و ماهیت :

نمود به معنی عیان و ظاهر است و ماهیت به معنی باطن و محتوی ، به عنوان مثال نمود و ماهیت قند عبارت است از : رنگ سفید قند (نمود) ، شیرینی یا شکل ملکولی قند ماهیت .

مانور سیمرغ رهایی :

نام یک مانور نظامی است که مجاهدین برای " تمرین سرنگونی ! " تدارک دیدند ، این مانور به مدت ۱۵ روز از تاریخ ۳۰ خرداد ۷۳ تا ۱۵ تیر ۷۳ ظاهراً در سطح یک لشکر زرهی در منطقه ای نزدیک مرزهای ایران در دو مرحله به اجرا در آمد .
فرمانده مانور عدرا علوی طالقانی جانشین فرمانده کل ارتش آزادیبخش بود و خود رجوی بر آن نظارت داشت ، این گونه مانورهای نمایشی تلاشی است در جهت جلوگیری از بی انگیزگی و ریزش نیروها که تا کنون مؤثر نبوده است .
سیمرغ رهایی یکی از القاب درون تشکیلاتی مریم قجر عضدانلو نیز هست .

مانور غرش شیر :

از مانورهای نظامی سازمان در خاک عراق در سال ۱۳۷۴ می باشد .

مانور مهر تابان :

از مانورهای نظامی سازمان در خاک عراق در سال ۷۴ می باشد ، ضمناً مهر تابان از القاب درون تشکیلاتی مریم قجر عضدانلو نیز هست .

ماه گذاشتن :

انرژی گذاشتن ، وقت صرف کردن .

مبارزه چیست ؟ :

اولین جزوه آموزشی سازمان است که در سال ۱۳۴۴ توسط عبدالرضا نیک بین (عبدی) یکی از سه تن بنیانگذاران سازمان نوشته و تدوین شده و سال ها مهمترین متن آموزشی بوده است .
مبنای تحلیلی جزوه مزبور پذیرفتن مارکسیسم به مثابه علم مبارزه است ، بر این اساس که هر تخصصی نیاز به متخصص دارد و مثلاً نمی توان برای چشم پزشکی به یک خطاط مراجعه کرد ، در این سو نیز مبارزه خود یک تخصص است و علم لازم دارد و آن علم را علم مبارزه مارکس و لنین و مائو و کشف کرده بسط داده اند .
از این رو یک مسلمان مجاهد نیز برای مبارزه با امپریالیسم و رژیم شاه نیاز به دانش مبارزه دارد ، بعدها کتاب شناخت در این جهت تدوین شد که متدولوژی علم مبارزه را که به زعم بنیانگذاران سازمان اصول دیالکتیک مارکسیستی است بیاموزند .

متحدان رژیم :

هر جریان و حزب سیاسی که معتقد به مشی مسلحانه از نوع مجاهدین نباشد از طرف سازمان متهم می شود به این که متحد رژیم است .

مینا / مینا و شرط :

پارامتر ، قراردادی یا نقطه شروع یک جریان یا کار سیاسی یا کار تشکیلاتی .

مترقی :

خواهان ترقی و رشد و تکامل ، عمدتاً به نیروها و جریانات همسو با مجاهدین اطلاق می شد .

محتوی : <----- فرم و محتوی

محفل / روابط محفلی :

گردهمایی دو یا چند نفر به دور هم و صحبت حول یک مسئله یا چند مسئله خاص ، خواه به نتیجه برسد یا نرسد را محفل گویند ، در مورد اصطلاح برخورد محفلی قبلاً توضیح داده شده ، عمدتاً روابط غیر تشکیلاتی را می گویند و محفل نقطه تجمع نیروهای غیر تشکیلاتی و یا جمعی با ماهیت غیر تشکیلاتی را می گویند .

محفل اگومیستی :

جمعی مرکب از چند دختر و پسر (زن و مرد) که چند تن از آنان در سال ۱۳۵۶ از مجاهدین جدا شدند و به همراه عده ای دیگر ضمن نفی مشی مسلحانه به میان کارگران کارخانه ها می رفتند تا کار سیاسی _ تئوریک روی آنها انجام دهند و ناموفق باز می گشتند ، این اصطلاح منسوخ شده است . نیز <----- اگومیست .

محفل زدن :

در حال حاضر هر گونه ارتباط برقرار کردن بین دو نفر که خارج از روابط و دستور تشکیلات باشد ، محفل نامیده می شود ، سازمان معتقد است محفل تبدیل به باند می شود و باند نیز کارش خیانت است .

محمل / محمل قرار / محمل تراشی :

تا حدی مترادف پوشش ، عبارت بود از صحبت یا وسیله ای که فرد برای عادی سازی و لو نرفتن خود و تشکیلات از آن استفاده می کرد ، به طور مثال اگر فردی در سر قرار مورد سؤال و بازجویی کسی قرار گرفت جواب هایی آماده دارد (جواب های دروغ) مثل شغلم کارمند است ، از فلان اداره می آیم به منزلم ، به آدرس می روم و غیره

محور :

سر تیتیر ، سر موضوع ، خلاصه موضوع یا جملاتی جداگانه که با گفتن آن یک موضوع روشن می گردد ، تجمع نیرویی سازمان و تقسیم بندی های بزرگتر از لشکر در تشکیلات ارتش نفاق به نام محور موسوم می باشد .

محوری :

با محور ، مربوط و منسوب به محور اصلی ، مثل شعار محوری این مرحله از مبارزه (.....) است .

محور قرار گرفتن :

یعنی محور شدن ، موضوعی محور قرار می گیرد که بقیه موضوعات حول آن موضوع قرار می گیرند .

خود محوری :

خود را محور قرار دادن و محور دانستن ، عدم اتکا به تشکیلات و رهبری .

دستور محوری :

دستور و فرمانی که محور باشد (اصلی) .

تاریخ: ۱۳۸۲/۱۰/۲۵

مدار و مدار تشکیلاتی :

مدار چرخه بسته که دارای خصوصیات یکسان بوده و فعل و انفعالات معینی در آن انجام می شود ، مدار تشکیلاتی به مفهوم چرخه گردش یک کار تشکیلاتی یا عملی مربوط به تشکیلات مثل سازماندهی ، برنامه ریزی و که در آن نقطه معینی مبدأ و مبنا و نقطه پایان مشخصی دارد .

مدار بالاتر :

ارتقای تشکیلاتی ، پیشرفته تر .

مدار مرکزیت :

حیطه اقتدار مرکزیت .

مدرک : <----- ملات .

مراقبت : <----- تعقیب و مراقبت .

مرحله :

دروه زمانی یا مکانی ، به عنوان مثلاً این مرحله مبارزه ضد امپریالیستی است ، یعنی زمان مبارزه ضد امپریالیستی است .

مرحله جهش :

این تعبیر در مبحث تکامل توسط مجاهدین به کار می رود و گاهی در برداشت های خاص این گروه به مفاهیم قدسی نیز اطلاق می گردد ، " لیلۃ القدر " یا مرحله جهش .

مردگان سیاسی :

سلطنت طلب ها ، دست راستی هایی مثل دکتر امینی و مانند آن را با این لقب خطاب می کنند .

مردم فروش :

اصطلاحی بود که مجاهدین در مورد حزب توده به کار می بردند ، یعنی این که از مردم جدا شده به سمت سرمایه داری رفته و به مردم خیانت کرده اند .

مردم گرایی :

به طرف مردم رفتن ، حمایت و طرفداری از مردم .

مردم گرایی توحیدی :

تعبیری است که مجاهدین به جای سوسیالیسم توحیدی به کار می برند .

مردم گرایی مبتذل :

تعبیری متضاد مردم گرایی توحیدی که به جای سوسیالیسم مبتذل توسط سازمان به کار می رود .

مرز بندی :

مشخص کردن مرز با نظام . <----- حد و مرز .

مرکزیت :

مجموعه افراد رهبری کننده تشکیلات در گذشته . **برای تفصیل بیشتر <----- سانترالیسم و سانترالیسم دمکراتیک .**

مرکزیت بخش :

افراد مسئول اداره کننده بخش ها را می گفتند .

مرکزیت نهاد :

افراد مسئول اداره کننده نهادهای تشکیلاتی را می گفتند .

مرکزیت بسته :

مجموع ۵ نفر رهبری کننده مجاهدین ، رجوی ، خیابانی ، علی زرکش ، ابریشمچی و داوری .

مرکزیت باز :

مجموع افراد مرکزیت بسته به علاوه محمد ضابطی ، محمد حیاتی ، محمود عطایی و محمد علی توحیدی .

مرکزیت دمکراتیک :

از اصول هفت گانه حاکم بر تشکیلات در فرهنگ مجاهدین . **برای تفصیل مطلب <----- سانترالیسم و سانترالیسم دمکراتیک .**

مروارید :

نام کوههایی در منطقه مرزی بین ایران و عراق در استان کرمانشاه و کردستان عراق که عملیات کشتار کردها در این منطقه صورت گرفت ، عنوان ادعایی عملیات سرکوب و کشتار کردهای مخالف دولت عراق توسط فرقه رجوی .
یک نشریه آمریکایی نوشت : " تنها تهاجم عمده ارتش آزادیبخش ملی طی شش سال گذشته در سال ۱۹۹۱ و درست پس از جنگ خلیج فارس صورت گرفت و این زمانی بود که صدام حسین به رجوی دستور داد برای فرو نشانیدن شورش کردها در شمال عراق به کمک بیاید." مجاهدین برای سرپوش گذاشتن روی کردکشی خود و جنگ با کردهای مخالف دولت عراق را عملیات مروارید نامگذاری کردند و مدعی

شدند که حمله نیروهای جمهوری اسلامی به قرارگاه شان را دفع کرده اند و اسم این پاتک ادعایی را عملیات مروارید گذاشتند .

مریض شدن :

دستگیر شدن .

مزدور :

اجیر شده ، به افراد جدا شده از مجاهدین می گویند .

مسئله :

هر گونه گیر و مشکل فردی (مانند خانوادگی) و تشکیلاتی مثل (اشکال نسبت) به مواضع .

مسئله دار شدن :

دچار تردید و اشکال شدن ، در صورتی که فرد به صورت تام و تمام همه دستورات تشکیلات را اجرا نکند ، فرد مسئله داری است .

مسئله خانوادگی :

مانند این که فعالیت فرد از طرف خانواده مورد ممانعت قرار بگیرد و یا فرد به خاطر خانواده اش در فعالیت به نفع سازمان دچار تزلزل شود .

مسئله اخلاقی :

مشکل اخلاقی داشتن ، منظور بد اخلاقی است ، یعنی فردی دچار انحراف جنسی باشد و یا رابطه نامشروع با کسی دارد .

مسئله حل کردن :

یعنی اشکالات و ابهامات را بر طرف کردن و یا مشکلی را از سر راه تشکیلات برداشتن .

باز کردن مسئله :

یعنی توضیح و بیان جوانب مختلف یک مسئله (یک موضوع) و تشریح مسئله و مشکل برای افراد مرتبط با موضوع .

مسئول :

مسئول به کسی که انجام یک کار یا رسیدگی تشکیلاتی یک یا چند نفر را به عهده داشته باشد اطلاق می شود .

مسئول نشست :

کسی که گرداندن نشست را به عهده داشته باشد .

مسئول اجرایی :

کسی که اجرای کاری را به وسیله یک یا چند نفر کنترل و انجام می دهد .

مسئول تشکیلاتی :

کسی که رسیدگی تشکیلاتی به فرد می کند .

مسئول نظامی :

کسی که به کارها و امور نظامی رسیدگی می کند .

مسئول بالاتر :

فوق مسئول ، مسئول مسئول اجرایی و مسئول تشکیلاتی .

مسئولیت تاریخی :

این اصطلاح بسته به زمان و موقعیت کار برد آن برداشت های متفاوتی را سبب می شود ولی اشتراک عمده معنی در این تعبیر همراهی کردن با خود مجاهدین است . وقتی در مجاهد سال ۶۸ می نویسد : " اگر روحانیت امروز به مسئولیت تاریخی خود عمل نکند از صحنه تاریخ محو می شود . " منظور این است که اگر روحانیت هژمونی ما را نپذیرد چنین و چنان می شود !!

مسیر قرار :

مسیر و راهی که قرار در آن صورت می گیرد ، مثلاً فاصله بین ابتدا و انتهای یک خیابان .

مشروعیت :

شرعی بودن ، روا بودن ، مثلاً مشروعیت یک رژیم یعنی مورد قبول بودن آن از طرف مردم .

مشروط به بالابودن :

از مسئولان بالاتر مشروعیت گرفتن .

مشی / مشی مسلحانه :

مشی به معنی راه ، طریقه و روش است و مشی مسلحانه به معنی روش مسلحانه .

مصادره انقلابی :

این اصطلاح از دوران شاه توسط مجاهدین و دیگر گروه های چریکی درباره عملیات سرقت به کار می رفت ، مثلاً گفته می شد که فلان مبلغ در حمله فلان گروه به فلان بانک مصادره انقلابی شد ، مجاهدین حتی سرقت از فروشگاهها و ربودن صابون و شامپو و قاشق و چنگال را هم مصادره انقلابی می نامند !!

مصونیت تشکیلاتی :

از اصطلاحات مربوط به حوزه ساختاری تشکیلات و در مورد رده های بالای سازمان .

مطلق / مطلق کردن / مطلق نگری :

مقابل نسبی و نسبی نگری .

معاون اجرایی :

از تقسیم بندی های تشکیلاتی ، فرد کمکی که یک نفر مسئول را در کارهای اجرایی همراهی و کمک می کند .

معیار ایدئولوژیک :

میزان و محک تشکیلات ، معیار سازمانی .

مقاومت انقلابی مسلحانه :

تعبیر دیگری از جنگ مسلحانه یا نبرد مسلحانه ، پس از خرداد سال ۶۰ که اختصاصاً برای جنایات مجاهدین به کار می رفت ، با کاربردهایی مانند " اعتلای نوین مقاومت انقلابی مسلحانه " .

مقدمه مطالعات مارکسیستی :

این کتاب تألیف سعید محسن از بنیانگذاران سازمان و نوعی روش شناسی انطباق مفاهیم قرآن و نهج البلاغه و مقوله خاص فرهنگ شیعه (از قبیل اجتهاد و سندیت عقل در فقه شیعه) بر اصول مارکسیستی است .
کتاب مزبور پس از پیروزی انقلاب اسلامی با عنوان دینامیسم قرآن یا چگونه قرآن بیاموزیم در دو جلد انتشار یافت .

مقطع / مقطعی :

محل تلاقی بین دو مرحله را مقطع می گویند ، مقطعی یعنی موضعی ، موقتی .

مکانیسم :

طرز ساختمان و ترکیب چیزی ، به عنوان مثال با مکانیسم جدید یعنی با روش جدید .

ملات :

مدرک یا هر گونه نوشته ای که بار امنیتی داشته باشد ، حتی در زندان به گوشت های درون غذا نیز ملات می گفتند ، به فردی که حرف های بدیع و شیوه های خاصی دارد نیز ملات می گویند .

ملی کشی :

در زمان شاه از سال ۵۴ به بعد معمول شد و عده ای از زندانیان با آن که محکومیتشان به اتمام رسیده بود به گمان این که در صورت خروج از زندان به گروه های مخالف رژیم می پیوندند آزاد نمی شدند و باز روزها ، هفته ها ، ماهها و گاه سال ها اضافه بر دوران محکومیت در زندان می ماندند ، تحمل این دوران را ملی کشی می گفتند .

ملی کاری :

ملی = عمومی ، شیء یا چیزی که متعلق به همه افراد است ، کار اضافی خارج از وظایف سازمانی ، بیهوده کاری .

مناسبات / مناسبات داخلی :

روابط درونی سازمانی ، چارچوب سلسله مراتب تشکیلاتی .

مناسبات کهنه :

سلسله روابط و فرماسیون های اجتماعی ما قبل جامعه آرمانی مجاهدین ، از این گونه تعبیرات در سال های ۶۰ _ ۵۸ زیاد به کار می رفت .

منحرف :

دارای انحراف ، منظور انحراف از موازین و اصول ایدئولوژی ، سیاسی ، تشکیلاتی است .

منزوی :

گوشه گیر ، نیز <-----> **انزوا**

منسجم :

دارای انسجام ، نیز <-----> **انسجام** .

منطقه :

در ادبیات جدید سازمان به عراق اطلاق می شود ، در اروپا برای این که بار منفی کشور عراق نزد هواداران پایین بیاید و مترادف با مزدوری نباشد نام عراق را منطقه گذاشتند .
در نهاد دانش آموزی چند ناحیه را منطقه می گفتند ، (به معنی ناحیه رجوع شود) ، تهران شامل این مناطق بود : (شمال ، جنوب ، شرق

، مرکز) .

منطقه شمال (A) :

تشکیلات قسمت شمالی کشور که تحت پوشش بخش شهرستان بود ، منطقه شمال شامل خراسان ، گیلان ، مازندران و آذربایجان بوده است .

منطقه جنوب (B) :

شامل استان های جنوبی کشور .

منطقه اندلس :

نام منطقه ای در مرکز بغداد که تعدادی از پایگاه های مهم سازمان از جمله پایگاه سعادتی در آن واقع است .

منطقه عملیات :

منطقه و محلی که قرار است عملیات (ترور ، انفجار و) در آن صورت گیرد .

منفعل : ----- پاسیو .

موحدین شرمگین :

مجاهدین می گفتند مارکسیست های اصولی (فدایی ها) موحدین شرمگین هستند ، یعنی باطناً موحد و مسلمان هستند ، منتهی خجالت می کشند این مسئله را بیان کنند!

مورد :

موضوع ، مطلب قابل توجه ، مثلاً مورد دارد یعنی قابل توجه است .

مورد را بررسی کردن :

موضوع و مطلب مورد نظر را بررسی کردن .

مورد خاص :

مطلب و موضوع خاص و ویژه که در نظر است .

موکب آزادی :

نام مستعار تشکیلات نظامی سازمان (ارتش آزادیبخش ملی)

موضع :

جایگاه ، ضمناً به دیدگاه نظری افراد هم موضع می گویند ، همچنین مواضع سیاسی ، عقیدتی و

موضعی :

موقتی ، مربوط به یک دوره محدود .

موضع طلب و موضع طلبی :

هر فردی که خواهان جایگاه و رده بالاتری در تشکیلات بوده و از نظر تشکیلات به اصطلاح صلاحیت آن را نداشت ، ولی ژست و قیافه آن موضع را می گرفت ، موضع طلب محسوب می شد .

مهر تابان :

از القاب مریم قجر عضدانلو که رجوی به وی داده است . نیز <----- **مانور مهر تابان** .

مهره رژیم :

از القاب عامی که مجاهدین از نیمه دوم دهه ۶۰ به کسانی که از تشکیلات جدا شده یا بریده اند اطلاق می کردند .

مهمانسرا :

زندان و بازداشتگاه افراد جدا شده از سازمان .

تاریخ: ۱۳۸۲/۱۰/۲۷

میانه باز :

از القابی که مجاهدین به برخی از مخالفان خود می دهند ، به معنی اهل معامله و دو سره بار کردن ، از کسانی که این لقب توسط سازمان به وی داده شد دکتر علی اصغر حاج سید جوادی است .

می توان و باید :

از تعبیراتی که در مورد اجرای امر رهبری که باید اجرا شود به کار می رود و از شعارهای مریم قجر عضدانلو برای پیاده کردن خطوط سازمان است .

میتینگ :

در اصل به معنی ملاقات برای مذاکره درباره یک موضوع است و در اصطلاح به معنای جلسه ای کم و بیش وسیع برای بحث و اظهار نظر در یک مسئله یا یک حادثه سیاسی یا به معنای اجتماع انبوه مردم در یک منطقه و استماع گفته های سخنرانان پیرامون حادثه ای و مسئله ای .

مهمترین میتینگ هایی که به وسیله مجاهدین تشکیل شده یا نقش عمده در تشکیل آن داشته اند در مقطع فاز سیاسی عبارتند از : میتینگ پارک خزانه و سخنرانی رجوی (خرداد ۵۸) ، میتینگ امجدیه و سخنرانی رجوی (خرداد ۵۹) و میتینگ ۱۴ اسفند دانشگاه تهران و سخنرانی بنی صدر (اسفند ۵۹) .

اجتماع سیاسی برای استماع مواضع یا تبلیغات یک گروه که از طرف نیروهای هوادار و تشکیلاتی گروه است ، مثلاً میتینگ انتخاباتی یعنی اجتماع هواداران و طرفداران برای شنیدن تبلیغات انتخاباتی که از طرف نماینده سازمان مطرح می شده است .

میکرو :

در اندازه کوچک و خیلی ریز ، از اصطلاحاتی که توسط رجوی به کار رفته و مثلاً خط چریک شهری میکرو یعنی در اندازه های عملیاتی و نیروگیری و سلاح و کوچک است و خط ارتش آزادببخش ماکرو در اندازه های بزرگ است ، مثل عملیات های بزرگ ، جذب نیروی زیاد و سلاح سنگین .

میلیناریسم :

نظامی گری ، مکتبی که پیرو اعمال نظامی است .

میلیناریست :

فردی که پیرو اعمال قدرت از طریق شیوه های نظامی است .

میلیشیا :

اصطلاح چریک نیمه شب ، نیروهای شبه نظامی ، نیروی دفاع غیر نظامی ، نظامیان یا چریک های نیمه وقت ، مجاهدین این واژه را در سال ۱۳۵۸ در مقابل واژه بسیج قرار دادند، سازمان پس از اجرای شکست آمریکا در طبرستان به بهانه این حادثه و تحت عناوین فریبنده میلیشیا را به عنوان نیروی حامی انقلاب مطرح نمود و آن را گسترده تر کرد .

تعبیر شان از این اصطلاح چنین بود : " تشکل مردمی با هدف مبارزه با ضد انقلاب و امپریالیسم " ، " توده های مردم بسیج شده که در عین اشتغال یا تحصیل اوقاتی را صرف کارهای نظامی کنند " ، " چریک نیمه وقت که قسمتی از ارتش تمامی خلق را تشکیل می دهد . " میلیشیا مجاهدین که اغلب نیروهای آن را دانش آموزان تشکیل می دادند ، ابزار آنها در جوسازی ، ایجاد تنشج و دامن زدن به درگیری ها بود ، مهمترین مقطع فعالیت میلیشیا سازمان در روز ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ بود و پس از آن اغلب آنها در تیم های ترور سازماندهی شدند .

در تشکیلات به نیرو (چریک) نیمه وقت گفته می شد ، میلیشیا نیروهای آموزش دیده و سازماندهی شده ای بودند که قبل از ۳۰ خرداد ۶۰ در کارهای نظامی ، تبلیغاتی و میتینگ شرکت می کردند و نیمه وقت بودن آنها یعنی در ضمن کار خود مثل درس خواندن ، کار در کارخانه و کار تشکیلاتی هم می کردند .

میهمانی :

اصطلاح پوششی که برای کلمه نشست استفاده می شد.

میهن :

اصطلاحی که پس از ورود سازمان به خاک عراق توسط آنها باب شد و به جای وطن یا کشور به کار رفت ، این واژه پس از راه اندازی نشریه ایران زمین و برجسته کردن وجهه ناسیونالیستی تشکیلات به طور فزاینده ای متداول شد .



ناحیه :

در تشکیلات دانش آموزی چندین مدرسه (چند انجمن دانش آموزی) تشکیل یک ناحیه را می دادند .

نام مستعار :

هر فرد برای این که شناخته نشود از نام و نام خانوادگی جعلی استفاده می کرد که تشکیلات برای وی بر می گزید ، هم اکنون سازمان مدعی است به سطحی از کیفیت رسیده است که در حد یک دولت می باشد و نیازی به استفاده از نام مستعار ندارد . اسامی جدید را نیز بلافاصله منتشر می کند ولی یکی از دلایل مطرح کردن اسامی جدید خراب کردن پل بازگشت این افراد و سوزاندن آنها نزد رژیم است .

ناموس سازمان :

از القاب مسعود رجوی .

نارنجی :

به وضعیت و فردی که مورد مشکوکیت باشد ، یا در آستانه لو رفتن باشد نارنجی می گویند . نیز ----- < وضعیت نارنجی .

نت / نت برداشتن :

خلاصه نویسی ، محور نویسی ، نکات مهم را یادداشت کردن .

نرمال / آنرمال :

نرمال به معنی طبیعی ، عادی و آنرمال به معنی غیر طبیعی و غیر عادی است .

نساجی / بچه های نساجی :

در نهاد کارگری سازمان به مجموعه نیروهای هوادار که در کارخانه های پارچه بافی و نساجی کار می کردند اطلاق می شد .

نسل فدا :

لقب نفرات سازمان می باشد .

نسل مریم و مسعود : ----- < نسل فدا .

نسل مقاومت : ----- < نسل فدا .

نشریه داخلی :

نشریه ای که رسمی نبوده و به میزان کم چاپ می شد و بین نیروهای هوادار توزیع می شد ، مثلاً نهاد کارگری بیشتر از این نوع نشریات داشت .

نشست :

جمع شدن عده ای دور هم و گفتگو حول یک یا چند مسئله معین ، از صحبتها سعی می شود همیشه نتیجه گیری بشود ، هر نشست یک گرداننده دارد که مسئول نشست نامیده می شود .

نشست در سطوح مختلف برگزار می شود ، ولی یکی از شیوه های مهم جاری و ساری کردن خط سازمان در تشکیلات انجام این نشست ها است ، نشست بر حسب موضوع مورد بحث به چند گونه تقسیم می شود .

نشست اجرایی :

حول کارهای اجرایی .

نشست امنیتی :

صحبت حول مسائل اطلاعاتی و یا امنیتی افراد یا مرکز .

نشست تشکیلاتی :

صحبت پیرامون مسائل تشکیلاتی و حساب رسی از افراد .

نشست هفتگی و ماهانه :

که هر هفته و یا هر ماه مرتباً برگزار می شود ، موارد بحث محدود نیست .

نشست صلیب :

جلسه ای که در اوایل سال های ۱۳۷۰ از سوی سازمان در عراق برای برخورد با جدا شدگان و بریده ها تشکیل شد و برخی آن را انقلاب

ایدئولوژیک پنجم یا مرحله پنجم انقلاب ایدئولوژیک نام دادند .

محور نشست این بود : " از طرف مریم قجر (ابریشمی ، رجوی) و عده ای که از قبل توجیه شده بودند درباره برخورد با جدانشدگان و مسئله دارها به نقد عملکرد گذشته سازمان پرداختند و این نکته را جا انداختند که از آن پس هر کس می خواهد کنار برود ، از امکانات سازمان محروم باشد و مثلاً در فرستادنش از عراق به اروپا سازمان نقشی بازی نکند ، چرا که این کار برای تشکیلات مثل طناب دار را به گردن خود انداختن است ."

نشست صلیب در مقطع بمباران های عراق در سال ۷۰ برگزار گردید و علت نشست ها بغرنج بودن وضعیت سازمان بود ، رجوی در این نشست عنوان می نماید :

" که هم اکنون مانند در سازمان مانند شب عاشورا است و هر کس می خواهد در سازمان بماند مانند این است که از مرگ حتمی خود مطلع بوده و هر کس می ماند صلیب مرگ خود را همراه خودش می آورد ."

نشست معاصی :

در همین نشست بوده است که رجوی به افراد گفته است : " همه گناهای فردی تان را به من بدهید ، من خودم با خدا معامله می کنم ! " در این نشست همه افراد به گناهایی که در گذشته مرتکب شده اند اعتراف می کنند . **در این خصوص** ----- < **انقلاب ایدئولوژیک** .

نظام توحیدی :

مترادف جامعه توحیدی یا جامعه بی طبقه توحیدی ، این تعبیر به کرات در آثار مجاهدین آمده است .

نظامی :

کار نظامی ، عملیات نظامی ، بخش نظامی ، ویژه نظامی و

نظامی اجتماعی :

اصطلاحاتی که به نیروهای بخش اجتماعی اطلاق می شد ، مثل واحدهای نظامی که دانش آموزی بودند .

نظامی ویژه :

همان ویژه و ویژه نظامی است ، نیروهایی که عملیات ویژه انجام می دادند .

نظم / نظم آهنین :

انضباط و انضباط تشکیلاتی .

نظم ارتجاعی (غیر انقلابی) : ----- < **نظم انقلابی** .

نظم انقلابی :

در اصطلاح مجاهدین و سایر سازمان های مارکسیستی و شبه مارکسیستی مسئولیت شناسی رهبری و سازمان سیاسی ، انطباق مناسب و منطقی فرد با مسئولیت ، تقسیم کار به صورت علمی و مبتنی بر روابط منطقی ، توزیع رده ها و مسئولیت ها بر اساس ضوابط و ملاک های عقلانی ، اعتماد متقابل اعضا به یکدیگر و رهبری ، فعالیت تشکیلاتی در چارچوب حرفه ای و مبتنی بر انضباط ، رهبری جمعی و شورایی بر اساس سانترالیسم دمکراتیک و وجود انتقاد و انتقاد از خود در روابط افراد و مسئولان و را نظم انقلابی می گویند . که در هر دوره و مقطع در برابر آن نظم ارتجاعی قرار دارد ، از حیات تشکیلاتی مجاهدین مطابق با تمایل و گرایش و خط مشی مرکزیت یا رهبری نظم انقلابی تعبیر و تفسیر شده است ، به عبارت دیگر نظم انقلابی یعنی هماهنگ و همراه با سازمان اندیشیدن و عمل کردن .

نقض ضابطه :

شکستن ، عملی که خلاف دستورات تشکیلاتی است ، (به معنی ضابطه مراجعه شود).

نقطه اعلام کردن :

نقطه در اصطلاح مخفف نقطه نظر است و منظور از این تعبیر وضعیت خود را تشریح کردن است .

نقطه قوت / نقطه ضعف / نقطه عطف :

نقطه قوت یعنی ویژگی و صفت خاصی که در فرد بوده و باعث بالا رفتن راندمان کار می شد ، مثلاً خوب فکر کردن یا قدرت تشخیص اشتباهات و مسائلی از این قبیل .

نقطه ضعف صفت خاصی که در فرد بوده و باعث پایین آمدن راندمان کار می شده مانند خود کم بینی ، خود بزرگ بینی ، برخوردهای لیبرالی و

نقطه عطف زمان یا مکانی که مسیر انجام یک کار یا یک جریان مشخصی تغییر می کند ، البته این تغییر بیشتر در جهت بهبود و بهتر شدن وضعیت منظور می باشد ، مثلاً مجاهدین ۳۰ خرداد را برای خود نقطه عطف می دانند ، (البته این که وضعیتشان بهتر شده است یا نه کاملاً محرز است که نه .)

تاریخ: ۱۳۸۲/۱۰/۲۹

نکشیدن مبارزه :

تحمل نکردن سختی های مبارزه ، میان راه بریدن ، از جمله شیوه هایی که سازمان افراد جدا شده را با آن سرکوب می کند استفاده از اینگونه جملات می باشد .

نمود :

علامت ظاهری ، مشخصه هایی با خواص و صفات معین که نشان دهنده وجود پدیده یا جریان معینی هستند ، این مشخصه ها یا ظاهری هستند که می توان آن را درک کرد (بینایی ، شنوایی ، لامسه و) که به آنها نمود عینی گفته می شد و یا ذهنی

نمود ذهنی :

نمودها و مشخصه هایی که به وسیله فکر کردن به آن مشخصه ها در ذهن خود می رسند .

تک نمود :

کاری مشخص با صفات معین که یک بار بروز کرده و تکرار نشده است .

نوبت :

واحد شمارش عملیات یا حرکت اعتراضی ، که در زمان های مختلفی صورت گرفته باشد، مثل پرتاب سه نوبت تخم مرغ گندیده یا گوجه فرنگی .

نوک پیکان تکامل :

اصطلاحی که مجاهدین به خودشان می گفتند ، مدعی بودند که در هر کاری پیشتاز آنها هستند ، یعنی جایگاه آنها در رأس نیروهای مترقی است ، اگر تکامل و پیشرفت را به عنوان یک پیکان تصور کنیم جایگاه سازمان در رأس و نوک این پیکان است .

نهاد :

مجاهدین برای انجام کارهای خود تشکیلات را به مجموعه هایی به نام بخش تقسیم کرده بودند ، این بخش ها ۶ تا بودند ، بخش اجتماعی ، بخش شهرستان ، بخش روابط خارجی ، بخش نظامی ، بخش تبلیغات و نشریه و بخش سیاسی .

هر بخش از مجموعه های کوچکتری به نام نهاد تشکیل می شد ، مثلاً بخش اجتماعی شامل ۵ نهاد بوده است ، نهاد دانش آموزی ، نهاد دانشجویی ، نهاد کارگری ، نهاد کارمندی و نهاد محلات .
نهاد دانش آموزی با علامت اختصاری Eg1 که کارش مربوط به مدارس دانش آموزی بوده است .
نهاد دانشجویی با علامت اختصاری Eg2 که کارش مربوط به دانشگاهها ، مدارس عالی بوده است .
نهاد کارگری با علامت اختصاری Eg3 که کارش مربوط به کارخانه ها و کارگرها بوده است .
نهاد کارمندی با علامت اختصاری Eg4 که کارش مربوط به ادارات و کارمند ها است .
نهاد محلات با علامت اختصاری Eg5 که کارش مربوط به نیروهای غیر ۴ صنف فوق بوده ، (دیپلمه و بیکار) .
مسئول نهاد ، روابط بالاتر از عضویت داشت و عضو شورای مرکزی بود .

نیرو / نیرو گذاشتن :

به معنی صرف انرژی برای انجام کاری اطلاق می شد ، نیرو به معنی فرد و عضو هم بود.

نیروی کمی و اجرایی :

به فردی گفته می شد که برای کارهایش کمتر فکر می گذاشت .

نیروی کیفی :

به فردی گفته می شد که کارهایش احتیاج به فکر داشت .

نیروهای واقعاً پیشتاز :

منظور نزدیکترین همفکران با گروه است که در قاموس سازمان همسو بودن با آنها است ، این تعبیر از آنها در مجاهد سال ۵۸ آمده است:
" علی قدم اول را در بعد سیاسی ، مسئولیت دادن به مردم و به افراد و نیروهای واقعاً پیشتاز تلقی می کند ."

و

وابسته / وابستگی :

وابسته یعنی مربوط ، منسوب و وابستگی به مفهوم علاقه و ارتباط .

وابستگی تشکیلاتی :

علاقه تشکیلاتی ، علاقه به تشکیلات ، ارتباط تشکیلاتی .

وابستگی خانوادگی :

علاقه به خانواده ، مجاهدین می گفتند فردی که می خواهد مبارزه کند (کار تشکیلاتی کند) باید از خانواده و علایق خانوادگی دل بکند و روابط خانوادگی نباید مانع کار وی شود، وجود چنین مسئله ای برای فرد نقطه ضعف محسوب می شد .

واپسگرا :

مرتجع ، به عقب رونده ، برگشت کننده به شرایط قبل و دوران های قبل ، ضد ترقی ، مجاهدین رژیم را واپسگرا می خواندند ! به حرکتی که عکس جهت تکامل باشد حرکت واپسگرا گفته شده که مفهومی مارکسیستی بر اساس فلسفه دیالکتیک تاریخی است .

واحد / واحد عملیاتی :

دسته ، مجموعه ، تیم عملیاتی (ترور ، بمب گذاری و) اصطلاحی که بعد از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ به کار می رفت .

واداده :

منفعل و غیر فعال ، به کسی می گویند که پس از انجام نقل و انتقال ها و تغییرات در تشکیلات خود را منطبق با شرایط جدید نمی کند فرد واداده و دچار تناقض می شود ، در مسیر جریان انتقادی و اعتراض هم اگر قرار بگیرد رابطه فعال نمی تواند بر قرار کند . سازمان در چنین وضعی برخوردهای متناسب با روانشناسی افراد صورت می داده و اگر فی المثل با تشویق و تنبیه و مانند آن نمی توانست انفعال را در او از بین ببرد با مارک زنی و اعطای القاب مختلف او را به انزوا مجبور می کرد .

وارد مناسبات شدن :

تشکیلاتی شدن فرد ، وارد کار تشکیلاتی شدن .

وحدت :

یگانگی ، یکی بودن ، قبول داشتن به طور مطلق .

وحدت در استراتژی :

وحدت استراتژیک (به معنی استراتژی رجوع شود) یعنی یگانگی در استراتژی ، سازمان می گفت ما با فدایی ها در استراتژی وحدت داریم ، یا با آنها وحدت استراتژیک داریم .

وحدت در عمل :

یگانه عمل کردن ، یکی بودن در عمل نه فقط در حرف .

وحدت نیروهای ضد امپریالیستی :

یگانگی و یکی شدن گروهها و نیروهایی که بر علیه امپریالیسم مبارزه می کنند .

وحدت فرد و تشکیلات :

یکی از اصول تشکیلاتی ، فرد باید با تشکیلات وحدت داشته باشد ، یعنی ضوابط و موازین تشکیلاتی را قبول داشته باشد و رعایت کند ، از تشکیلات اطاعت کند ، در برابر انتقادات مطیع باشد و منافع تشکیلات را منافع خود دانسته منافی خارج از منافع تشکیلات برای خود نشناسد و قائل نباشد .

وحدت در ایدئولوژی / وحدت ایدئولوژیک :

قبول داشتن بحث ها و خطوط ایدئولوژی به طور مطلق .

وحدت تشکیلاتی :

قبول داشتن ضوابط و موازین تشکیلاتی و رعایت آنها در کار و عمل .

وحدت سیاسی :

قبول داشتن خطوط سیاسی .

وحدت تاکتیکی :

قبول داشتن تاکتیک ها (به معنی تاکتیک مراجعه شود) .

وحدت فرد و مسئولیت :

از هفت اصلی است که مجاهدین به عنوان اصول تشکیلات عنوان نموده اند ، تبیین ایشان چنین است : لازمه درست اجرا شدن خطوط ایدئولوژیک و رسیدن به اهداف تعیین شده توسط یک سازمان انقلابی ، داشتن تقسیم کار و دادن مسئولیت به افراد مشخص است. مسئولیت اجرای وظایف در یک سازمان بایستی به عناصر و اعضای ذی صلاح داده شود ، هر مسئولیتی را نمی شود به عهده هر کسی گذاشت ، بلکه باید مسئولیت به کسی واگذار شود که از عهده اجرای آن بر آید ، یعنی صلاحیت لازم را برای انجام آن داشته باشد . به ادعای سازمان وحدت فرد و مسئولیت اصلی است که بر اساس آن تقسیم کار و گرفتن مسئولیت و همچنین رشد فرد در درون تشکیلات به درستی صورت می گیرد و مبین سازگاری فرد با موضعش خواهد بود .

وصل / وصل بودن / وصل کردن :

منظور وصل به تشکیلات است ، ارتباط داشتن ، ارتباط تشکیلاتی داشتن .

وضعیت :

حالت ، چگونگی ، کیفیت ، منظور حالت و چگونگی یک مرکز (خانه تیمی یا هر محل تجمع) از نظر امنیتی و لو رفتگی است .

وضعیت سفید :

اگر وضعیت یک مرکز کاملاً عادی و هیچ گونه مشکوکیتی در مورد وضعیت آن وجود نداشته باشد (اصلاً لو نرفته باشد) وضعیت آن را سفید می گویند .

وضعیت زرد :

اگر کمی مشکوکیت وجود داشته باشد وضعیتی بین امنیت کامل نداشتن و در عین حال لو رفتن .

وضعیت نارنجی :

اگر مشکوکیت زیادی باشد ، کاملاً مشکوک .

وضعیت سرخ (قرمز) :

اگر کاملاً لو رفته باشد ، استفاده از مراکز در حالت های فوق تا زمانی که نارنجی و سرخ نشده است امکان پذیر است و از این دو به بعد دیگر استفاده از آنها تقریباً ممنوع اعلام می شد و البته در قبل از ۳۰ خرداد سال ۶۰ از مراکز نارنجی و سرخ هم با رعایت و دقت استفاده می شد .

ویراز دادن :

حرکت زیگزاگی هم گفته می شود ، موضع روشن اتخاذ نکردن ، برخورد صریح نکردن ، مواضع متناقض اتخاذ کردن و از بیان صریح مطالب طفره رفتن .

ویژه :

خاص ، مخصوص ، نام قسمتی بود بعد از ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ که در ابتدا عملیات بزرگ انجام می دادند ، مثل ترورهای مسوولین رژیم و بعداً به کشتار وحشتناک مردم و شکنجه سه پاسدار کشیده شد .

هاله :

از اصطلاحاتی است که مجاهدین در خصوص حفاظت کادرها و اعضای بالای سازمان به کار می بردند ، اجمال مطلب آنکه تا ۱۹ بهمن ۱۳۶۰ اغلب ضرباتی که به سازمان می خورد شامل هواداران بود ، در واقع هاله میلیشیا و هواداران پایین که اطراف اعضا بودند مانع ضربه خوردن به اعضا می شد .

از ۱۹ بهمن سال ۶۰ و بخصوص در جریان ضربات سنگین بهار و تابستان ۶۱ این هاله که می تواند مترادف چتر یا چتر حفاظتی و پوششی تلقی شود از اطراف اعضا برداشته شد و هر روز ضربه ای به اعضای سازمان وارد می گشت .

هاله سمپاتیک :

وجود محیط سمپاتیک ، (به معنی سمپات مراجعه شود) که دور تشکیلات را گرفته است .

هاله تشکیلاتی :

محیط و جوی که رنگ و بوی تشکیلات را می دهد و دور تا دور اسکلت اصلی را گرفته و آن را احاطه کرده است . **فیز** ----- **اسکلت**

هرز رفتن :

تلف شدن ، به هدر رفتن استعدادها ، بی ثمر ماندن ، در تعبیرات سازمان است : " اگر تضاد اصلی را تشخیص می دادیم این قدر نیروها هرز نمی رفت ."

هز مونی :

این اصطلاح که بیشتر بین گروههای مارکسیست متداول است و مجاهدین نیز آن را مکرر به کار برده و می برند به معنای " حاکمیت در نتیجه و قدرت یافتن " است .

هسته :

هواداران غیر تشکیلاتی را که گرد هم جمع می شوند ، از کانال های غیر مستقیم (اعلامیه ، رادیو ، تلفن و) خط گرفته و احیاناً کاری هم می کنند (مطالعه ، تکثیر ، پخش اعلامیه و) هسته می نامند ، هسته ها در شرایطی کار می کنند که یک تشکیلات توانایی کار علنی و یا مخفی گسترده را ندارد و به عبارت دیگر در محیط و جامعه حضور ندارند .

بعد از سال ۶۱ و ضربات گسترده ای که مجاهدین را از پای در آورد و سران آن گروه به خارج گریختند ، خط کاری خود را بر اساس تشکیل هسته قرار دادند و هدفشان این بود که با هدایت این هسته ها به خیال خودشان در آینده به ایران باز گردند و قدرت را در دست گیرند .

هسته مقاومت :

منظور هسته ای است که در شرایط مخفی کار کرده و مقاومت می کند ، در واقع منظور سازمان این است که هسته ها در برابر رژیم مقاومت می کنند ، پس از مهر ماه ۱۳۶۰ که خط تظاهرات مسلحانه و شورش به شکست انجامید مجاهدین با طرح استراتژی قیام مردمی خط تشکیل هسته های مقاومت را دنبال کردند .

از نظر تئوریک هسته ها در این مقطع به عنوان نیروهای بالقوه یا بالفعلی که به شرط دست زدن به سازماندهی و اقدامات مناسب می توانند نیروهای مردمی را به میدان بکشاند تلقی می شوند .

هسته های مقاومت سازمان که از اواخر سال ۶۰ مطرح گردید نسخه بدل میلیشیا بودند منتهی میلیشیایی که دیگر امکان فعالیت گسترده ، آشکار و علنی را نداشت .

هسته مطالعاتی :

این اصطلاح بیشتر قبل از انقلاب به کار می رفت و بعد از انقلاب چنین اصطلاحی و خطی باب نبود ، هسته ای که کارش صرفاً مطالعه است ، چند هوادار غیر تشکیلاتی و گاه تشکیلاتی که خطوط مطالعاتی یا روش مطالعاتی را از سازمان اخذ می کنند و به صورت جمعی و گاه فردی و جمعی توأماً به مطالعه منابع مورد نظر می پردازند .

(کادر) همه جانبه : <----- کادر .

هنری :

تبلیغات ، در نهاد دانش آموزی به قسمت تبلیغات ، هنری اطلاق می کردند .

هنگ :

مجموع دو یا چند گردان تشکیل یک هنگ را می دهند ، هنگ حنیف = مجموعه نیروهای نسل جدید (فرزندان نیروهای قدیمی) را که به عراق آورده شده اند در قالب مجموعه ای به نام هنگ حنیف معرفی می نمایند .

هلندی کاری :

سرقت از فروشگاه ها و سوپر مارکت ها در اروپا را اصطلاحاً هلندی کاری می گفتند .

هلو :

دختران اعضای جدیدتر که تازه به بلوغ رسیده بودند و جهت ازدواج به مردان مسن سازمان داده می شدند .

هوادار :

هوادار کسی است که از فرد یا جریان سیاسی طرفداری و حمایت کرده (لفظی) یا در رابطه با آن کار می کند (عملی) هواداران دو نوعند :

هوادار تشکیلاتی :

هواداری است که کار تشکیلاتی کرده ، آموزش می بیند و حسابرسی پس می دهد ، ولی رده اش همچنان در حد هواداری است و با وی بر این مبنا تنظیم رابطه می شود .

هوادار غیر تشکیلاتی :

هواداری است که لفظاً حمایت می کند و کار تشکیلاتی نمی کند ، نشریه می خواند ، کمک مالی می کند ، در سخنرانی و راهپیمایی شرکت می کند و و حسابرسی پس نمی دهد ، هوادار غیر تشکیلاتی ممکن است به مرور تشکیلاتی شود . **فیژ <----- قشر** هواداری لفظاً نوعی همدردی ، همکاری و همدلی را در بر دارد ، پیش از پیروزی انقلاب هواداران سازمان همان سمپات ها بودند که به صورت غیر حرفه ای و پاره وقت در اختیار سازمان بودند .
در آن زمان رده های وابسته چنین ترتیبی داشتند : کادر مرکزی ، کادر زیر مرکزیت یا حاشیه مرکزیت ، عضو ، سمپات ، پس از پیروزی انقلاب هواداران را به دو دسته تشکیلاتی و غیر تشکیلاتی تقسیم کردند .
وقتی هوادار تشکیلاتی می شد کد H را برای او در نظر می گیرند و به تناسب رده و مسئولیتش H2 ، H1 ، H4 ، H3 تقسیم می شود .

هوشیاری انقلابی :

این اصطلاح که مفهوم آن روشن است از سال ۱۳۵۰ پس از فرار قلابی سیروس نیاوندی و نوشتن و انتشار مطلبی تحت عنوان هوشیاری انقلابی در بین گروه ها مرسوم شد و به خصوص مجاهدین از آن زیاد استفاده کردند .
فی المثل در سال ۱۳۵۸ در نشریه مجاهد آمده است : " هوشیاری انقلابی خود را در گزینش تاکتیک های سیاسی حفظ کنیم . "

هویت / بحث هویت :

حقیقت شیء یا شخصی که شامل صفات جوهری او باشد ، شخصیت ، ذات ، هستی ، وجود ، بعد از سال ۱۳۵۴ و علنی شدن تغییر ایدئولوژی مجاهدین (تشکیل گروه پیکار) رجوی بحثی ایدئولوژیک را تدوین کرد به نام " هویت اصلی ما دلیل انسجام تشکیلاتی ما " که در آن به اصطلاح به سوابق درخشان تشکیلات ، ایدئولوژی ناب توحیدی ، شهدا ، انضباط آهنین و مسائلی از این قبیل اشاره شده بود و به اصطلاح خطوط ایدئولوژی را از انحراف زدوده و بری نموده بود ! ."

هیئت اجرایی :

افراد منتخب از سوی مسئول سازمان ، سازمان در ابتدا از ظاهری سانتراالیست و شورایی برخوردار بود که متشکل از دفتر سیاسی ، مرکزیت ، معاون مرکزیت ، مسئول نهاد و بودند . ولی پس از انقلاب ایدئولوژیک ، رجوی با حداقل های نظرات مخالف نیز برخورد نمود و با انحلال کامل تشکیلات سابق که ظاهری شورایی داشت ، اقدام به تشکیل هیئت اجرایی نمود ، یعنی افراد صرفاً به امور اجرایی می پردازند و حق اظهار نظر ندارند و فقط باید کار اجرایی انجام دهند .

(برخورد) هیستریک / هیستریک عمل کردن :

عناد داشتن ، با بغض و غیض برخورد کردن ، برخورد عصبی و بدون مبنای فکری .

ی

یخ باز شدن :

فعال شدن ، از انفعال و پاسیو بودن بیرون آمدن .

یگانه برخورد کردن :

در مناسبات تشکیلاتی صادق بودن .

یکتا پرستی انقلابی :

تعبیری از توحید که به خصوص پس از پیروزی انقلاب توسط سازمان به کار می رفت ، از جمله در نشریه مجاهد سال ۱۳۶۴ آمده : " علی الگوی جاودان وفاداری به اصول یکتا پرستی انقلابی می باشد ."